هو العلیم

أهمیت و تأثیر مسئلهٔ عبور از ظاهر به باطن در مقدمه‌سازی ظهور امام زمان

سلوک خانواده ـ قم ـ جلسه ۲۶

بیانات

حضرت آیت‌الله حاج سید محمدمحسن حسینی طهرانی

قدس الله سره

أعوذُباللَه مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيم

بِسمِ اللَه الرَّحمَنِ الرَّحيم

وصلَّى اللَه عَلَى سيدنا و نبينا أبى القاسم مُحَمّدٍ

وعلى آله الطّيبين الطّاهرين و اللعنة عَلَى أعدائِهِم

أجمَعينَ

قرار بر اين بود مطالبى كه بيشتر مربوط به تكاليف و كارها و تصرفات مخدرات هست، نسبت به آنها صحبت بشود گرچه در ضمن هم بسيارى از آنها بى ارتباط هم به كارها و امور روزمره آقايان نيست.

ولى الان كه مى‌خواستم بيايم خدمت دوستان يک مرتبه به ذهنم آمد كه حالا موقتا آن مسئله را براى جلسه‌بعد بگذاريم و نسبت به مطلبى كه خيلى مورد نظر مرحوم آقا بود و همين طور ساير بزرگان و ا هل بصيرت، و احتياج دارد كه ما بيشتر به اين مسئله فكر كنيم و روش خود را بر آن اساس بگذاريم و اين مسئله فقط اختصاص به مخدرات ندارد بلكه چه مرد

و چه زن هر دو باید به این مطلب بپردازیم و در همه امور آن را مورد نظر قرار بدهیم و بنده در بعضی از مجالس عنوان، یک مقداری از این مطلب را خدمت دوستان عرض کردم و آن افرادی که باید به این مطالبتوجه کنند احساس می‌شد که خب توجه هم می‌کنند ولی راجع به اهمیت، آن خواستم که یک قدری تأکید بیشتری داشته باشم که دوستان بدانند که مسئله باید توجه بیشتری به آن بشود و رعایت این مطلب در سیر سلوکی و تهذیب نفس و ارتقاء روحی بسیار زیاد است و آن مسئله مسئله عبور از ظاهر و وصول به باطن وحقیقت مسائل و مطالب است.

این مسئله مسئله بسیار مهمی‌است و مسئله‌ای است که تا برای عموم مردم، این قضیه حل نشود و به این نکته نرسند، ظهور امام علیه السلام محقق نخواهد شد ظهور امام علیه السلام به عنوان منجی بشریت از جهل و ابهام و خودسری و تعلقات و دلبستگی‌ها، این مسئله کی محقق خواهد شد؟ البته در مرتبه خاص، ارتباط وثیق پیدا می‌کند این مطلب،

با روش سلوکی سالکان الی اللَه و کیفیت حرکت در مسیر تربیت و تزکیه. از زمانی که آدم ابوالبشر پا در این دنیا گذاشت تا زمان ما، بشر همیشه به این مسئله دچار بود و در این قضیه کمیت او لنگ بود.

مطلب تعلق به ظواهر حالا آن ظاهر هر چه می‌خواهد باشد. ظاهر اهل دنیا باشد یا ظاهر اهل عقبی باشد. نفس همیشه می‌خواهد راحت طلب باشد بار خود را بر دوش دیگران بیاندازد. یک متاعی خریده ده کیلو پانزده کیلو به جای این که بردارد یک شخصی را صدا می‌کند که [آن] را تا دم منزل برای او بیاورد یک مشکلی را در راه خود احساس می‌کند به دنبال فردی می‌گردد که مشکل او را حل کند خودش توان برای رفع یک مشکل ندارد از رفیقش استمداد می‌کند برای این که این مسئله حل شود می‌خواهد معامله‌ای بکند جنسی یک شخصی دارد که به او نمی‌فروشد می‌بیند رفیقی دارد که او ممکن است که بتواند این مسئله را حل کند می‌رود و از او استمداد می‌کند ازدواجی می‌خواهد بکند می‌بیند که شخص به تقاضای او پاسخ نمی‌دهد دنبال یکی می‌گردد که وساطت کند و این مسئله را حل کند

قرضی دارد که از پرداخت آن ناتوان است از رفیقش می‌خواهد که متحمل این مسئله شود و رفع ثقل کند، در همه مسائل. همیشه انسان به دنبال راحتی خود می‌گردد حال این راحتی برای دیگران صعوبت داشته باشد یا نداشته باشد، به این فکر نمی‌کند که ممکن است این راحتی فعلی او برای سایر افراد موجب دردسر بشود موجب مشکلات بشود.

نمی‌خواهد با صبر و با تحمل از این مشکل بگذرد تا یک قضیه پیش می‌آید می‌بیند قضیه سخت است تلفن را برمی‌دارد آی این طور شد! خب صبرکن حالا خب شد که شد، حالا چه شده؟ مگر آسمان به زمین؟ آمده مسئله‌ای اتفاق نیفتاده است و این قضیه باعث می‌شود ... البته بنده دراین مطلب منظور دیگری را دارم خب اینها به عنوان مقدمه گفته می‌شود تا این که مسئله خوب جابیافتد در ذهن ما و متوجه بشویم که ایراد کار ما کجاست؟ به طور کلی ما نمی‌خواهیم به مقتضای تقدیر و مشیت الهی حرکت کنیم ممکن است تقدیر و مشیت الهی، این بر صبر باشد بر تحمل باشد، بر صبر و تحمل باشد

ولی ما نمی‌خواهیمحرکت کنیم می‌خواهیم این مطلب را به یک نحو دیگری، خودمان با سلیقه‌و فکر و طرز سلوک خودمان به نفع خودمان مطلب راحل کنیم.

تا می‌شنویم یک شخصی پشت سر ما یک حرف زده، فوراتلفن را برمی‌داریم این طرف آن طرف این یک حرفی زده یک مطلبی گفته، راستی تو شنیدی چه گفته؟ فلان کرده؟ در حالی که می‌توانیم اصلا ترتیب اثر ندهیم برای چه ترتیب اثر بدهیم؟ انگار نشنیدیم هان؟ مگر قرار بر این است که هر چه انسان می‌شنود فورا برود پیگیری کند؟ فلان شخص یک همچنین حرفی را زده است. بله اگر آن فردی که ما متهم هستیم که نسبت به او این را گفتیم آمد خب از اوسوال می‌کنیم کی؟ کجا؟ کی شنید؟ کی دید؟ که پرسید؟ ولی اگر نه! به ما گفتند فلان شخص فلان دروغ را گفته است حالا بلندشویم یک نفر را بفرستیم برو درخانه‌او سوال کن تو از من این دروغ را شنیدی؟ کجا شنیدی؟ شاهد داری؟ بیا قسم بخور! تمام اینها بیکاری است آدم بیکار همین است، نمی‌داند چکار کند فوری راه می‌افتد. نه! ما یک

همچنین دروغی گفتیم خب گفتیم که گفتیم. چه اشکال دارد؟

یک نفر آمد به من گفت که در فلان شهر یک کتابی می‌خواهند بنویسند و اثبات می‌کند که شما پنجاه دروغ گفتید از زمان خود مرحوم آقا و بعد جمع کرده است نظر شما چیست؟ گفتم به او پیغام بده که صد تا هم من اضافه می‌کنم که حجم کتابت بیشتر بشود! صد تا [هم] من [اضافه می‌کنم!] آخر پنجاه تا کم است چیزی نیست به کجای آدم می‌رسد؟ زیر دندانهای آدم قایم می‌شود! یکخرده آدم بیشتر کتابش را کلفت‌تر کند بهتر است که! هیچی تمام شد. نه آنها نوشتند و نه ما چیزی گفتیم.

یک نفر آمد در این جا پیش بنده، در همین جا. بنده در این جا نشسته بودم آمد این جا در مقابل من گفت بنده از یک جا آمدم و رفتم در عرض سه ماه که در آن جا بودم مطالبی را که راجع به شما شنیدم همه را نوشتم و یک دفترچه کلفت دویست یا سیصد صفحه‌ای شده بود این مقدار حجم آن بود، آوردم بدهم خدمت شما، گفتم از همین جا بردار ببر

خانه‌ات، تمام صفحات آن را یکی یکی آتش می‌زنی حتی ریز ریز هم نمی‌کنی همه را آتش می‌زنی یکدانه را نمی‌خواهد بگویی مگر من بیکار هستم که بیایم حرفهایی را بشنوم که فلانی در مورد من چه گفته است؟ یا درست بوده یا نبوده است. اگر درست بوده خب باید خودم را ا صلاح کنم و کار خلاف را باید ترک کنم و به این مقدار هم اطلاع دارم، هم از خودم هم از اطراف که خودم چه می‌کنم این مقدرا را می‌دانم و نیازی به این صفحات نیست و اگر خلاف گفتند که آدم نمی‌آید وقتش را برای خلاف بگذراند مگر آدم می‌آید وقتش را برای شنیدن ...؟ این قدر ما بیکار هستیم در این دنیا که بیاییم وقتمان را برای شنیدن اخبار خلاف بگذرانیم؟ آن هم از ناحیه افرادی که زبانشان ترمز ندارد ایستگاه ندارد.

بعضی زبانها ایستگاه دارد یک مطلبی را می‌گویند بعد می‌ایستند توقف می‌کند ولی بعضی زبانها نه! همین طور وقتی شروع به حرکت می‌کند می‌رود تا وقتی که انرژی تمام شود، ایستگاه ندارد. ماشین کوکی هست دیدید؟ وقتی راهش می‌اندازید کوک می‌کنید چقدر می‌رود؟ تا حدی می‌رود که کوکش

تمام شود بیچاره می‌ایستد دیگر، می‌گوید کوک من این قدر بود بیش از این مقدار مرا کوک نکرده بودند.

این مسائلی را که خدمت شما عرض می‌کنم مسائل حیاتی حرکت یک انسان است که خیلی از ما به آن ترتیب اثر نمی‌دهیم! مگر ما می‌توانیم سایرین را به نظام درآوریم؟ به حساب درآوریم؟ به منطق درآوریم؟ نه! خیلی عرضه داشته باشیم خودمان را می‌توانیم ضبط کنیم و نسبت به کارهای خودمان می‌توانیم تسلط داشته باشیم و نسبت به امور خودمان می‌توانیم بازنگری داشته باشیم و مگر مردم همه در یک سطح از فرهنگ هستند؟ مگر در یک سطح هستند؟ جایی که ما مطالبی را از افرادی مشاهده می‌کنیم که مدعی اخلاق و درس اخلاق و تدریس اخلاق و تربیت و تزکیه هستند و انسان شرم دارد که کار آنها را بازگو کند آن وقت سایرافراد مگر می‌شود ترمز آنها گرفت؟ کار سایر افراد را مگر انسان می‌تواند به نظام دربیاورد؟ لذا باید ول کند ترتیب اثر نباید بدهد هر چه می‌گویند. بگویند هر کاری که انسان می‌خواهد بکند بکند.

مرحوم آقا چند بار شد که به بنده می‌فرمودند نمی‌دانم شاید ایشان مسائلی رااحساس می‌کردند که حتما باید من این مسئله را مورد توجه قرار بدهم خصوصا برای بعد از ارتحال ایشان که فلانی کار خودت را ببین درست استانجام بده، به دیگران کار نداشته باش و از این که پشت سر تو حرف می‌زنند باکی نداشته باش و دغدغه‌ای به خودت راه نده، نگاه کن ببین کارت درست است؟ همان راانجام بده و برو و دیگر دنبال این نباش که راجع به تو چه گفتند و چه می‌گویند و چه عکس العمل‌هایی انجام می‌دهند؟ الآن که بنده با شما صحبت می‌کنم راجع به بنده خیلی از مطالب هست، طبیعی هم هست، بالاخره من دارای افکار خاص خودم هستم و دارای بینش خاص خودم هستم و دارای رفتار خاص خودم هستم و این بینش و رفتار همین طور به دست نیامده است مصاحبه با بزرگان وتجربه هم نشینی با آنها در طول دهها سال و مطالعاتی که بنده در این زمینه داشتم و اطلاعاتی که بنده کم و بیش از این طرف و آن طرف و مسائل و جریانات به دست می‌آورم من حیث المجموع یک ذخیره‌ای به وجود می‌آورد که

بر اساس آن ذخیره و اندوخته اطلاعاتی من می‌توانم روش و زبان و کلام و رفتار خودم را ترسیم و تصویر کنم خب طبیعی است که دربسیاری از این موارد با طرز تفکر افراد در تعارض قرار می‌گیرد طبیعی است.

یا من باید دست بردارم از این اندوخته و از این مسائل، که بنده نمی‌توانم دست بردارم اگر بخواهم دست بردارم پاسخ سوال و پرسش الهی را در روز قیامت که می‌دهد؟ شما که به من داری اعتراض می‌کنی می‌توانی؟ بسیار خب! شما بیا نوشته‌ای بیاور شاهدی بیاور دلیل و حجتی از پروردگار بیاور که اگر من بر طبق رفتار و گفتار و کردار و طرز تفکر شما عملم و فعلم و تفکرم راانجام دادم در روز قیامت بی حساب و کتاب هستم! علی رؤسنا و علی عیوننا اشکال ندارد چه اشکال دارد؟ انجام می‌دهیم، هر شخصی هر کسی.

پس بنابراین یکهمچنین نوشته‌ای را شما ندارید اگر دارید ارائه بدهید، هستیم در خدمت شما بررسی می‌کنیم صحبت می‌کنیم و مسائل را با صحبت و

بحث و بررسی صادقانه به نتیجه می‌رسانیم این که دیگر دعوا ندارد، داد و بیداد ندارد این که دیگر از آن پشت نشستن و انسان را مورد تیر ملامت قرار دادن ندارد، آقا بفرما، درِ منزلِ ما هم که باز است، بفرما یا این یا این که شما بیا و دست از آن راهت بردار، اگر قرار است یکی از ما دو طیف بخواهد دست بردارد چرا آن من باشم؟ چرا من باشم؟ خب شما بیا دست بردار شما به آن چه که مورد نظر ما است بیا ترتیب اثر بده شما از افکار ما تبعیت کن شما از رفتار ما درس بگیر شما از کردار ما پند بگیر هان! چرا برعکس نباشد؟ این چه ترجیح بلامرجحی است؟ اینها همه ناشی از چیست؟ ناشی از انانیت است! انانیت!

خب حالا فرض کنید که بنده در این جا می‌آیم می‌شنوم که بله فلان شخص فلان شخص این آن آن راجع به رفتارم راجع به کردارم راجع به سخنانم مطلبی هست صحبتی هست مطالبی می‌گویند و هست و شنیدم و مسائلی می‌گویند حالا بلندشوم چکار کنم؟ هیچی! بلندشوم بروم آقا شما راجع به من این حرف را زدید؟ این مطلب را گفتید؟ نه آقا!

بگذار بگویند، هرکه هرچه می‌خواهد بگوید بگوید.

ما که نیازی در التجاء به این اعتاب و سرسپردگی و به خاک افتادن در این آستانه‌ها نمی‌بینیم چرا بیایم وقت خودمان را صرف کنیم که این مطلب به چه دلیل آمده و به کجا آمده؟ یا شخص بعد پی به اشتباهش می‌برد در همین دنیا خب آن که ... یا اگر نبرده در آن دنیا مسئله حل می‌شود درست می‌شود آن دنیا که دیگر جای کتمان نیست، نه من می‌توانم کتمان کنم و نه دیگران، یوم تبلی السرائر فما له من قوی و لا ناصر، روزی که در روز قیامت می‌آید و آن چه را که ما در نفس خود پنهان کردیم ولی زبانمان به یک شکل دیگری می‌گردد، در نفس خود پنهان کردیم، نیاتمان را که برای مردم نمی‌گوییم چون اگر بگوییم فاش می‌شود، همه چیز رو می‌شود، نه! نیات در درون ما مخفی است ولی زبانمان به احتجاجات دیگری می‌گردد و به دنبال آن می‌گردد که در اذهان مردم موّجه بنماید موجه بنماید ولی در روز قیامت سرخدا را که نمی‌توانیم کلاه بگذاریم ملائکه خدا را که نمی‌توانیم کلاه بگذاریم صاف می‌آورند می‌دهند

دست ما که نیت تو این بود نگاه می‌کند می‌بیند عجب! بله نیت من این است همین است دیگر.

این دستگاه‌های عکسبرداری که می‌آیند از درون انسان عکس می‌گیرند با امواج عکس می‌گیرند با ا شعه‌ها عکس می‌گیرند اینها می‌آیند چکار می‌کنند؟ نشان می‌دهند. الان در معده تو یک همچنین بیماری وجود دراد نگاه کن تماشا کن این التهاب را ببین این التهابی که در اثناعشرت هست خودت نگاه کن نگو مریض نیستم اینمقدار التهاب داری خطر این مقدار تو را تهدید می‌کند می‌خواهی معالجه شوی همین است کاری نمی‌شود کرد انسان می‌ماند. در روز قیامت این بیماری‌ها را می‌آیند به انسان می‌نمایانند تو در دنیا این بیماری را داشتی چرا به دنبال آن نرفتی؟ چرا در معالجه آن نبودی؟ چرا سخنت و رفتارت در جلوی دیگران با این بیماریت تطبیق نمی‌کرد و جور دیگر سخن می‌گفتی و نیت خود را از بقیهکتمان می‌کردی ولی بالاخره برای این منظور بود. شما الان در این دنیا دارید می‌بینید دیگر.

این همه من برای رفقا و دوستان می‌گفتم در این دنیا و در این کشورها، در این ها ببینید که همه اینها

نیاتشان چیز دیگر است گفتارشان چیز دیگر است رفتارشان چیز دیگر است. شما یادتان نمی‌آید؟ چه شد؟ آنهایی که دم از عدالت می‌زدند چه شد؟ آنهایی که دم از مبارزه با استکبار می‌زدند آنهایی که خود را پیشتاز قافله‌آزادی معرفی می‌کردند آنهایی که نعره‌های مخالفت با استبدادشان، گوش فلک را کر کرده بود همین الان بیایید تماشا کنید که مردم معترض و ستمدیده و مظلوم خود را بمباران می‌کنند نه اینکه به تیر می‌زنند! هان! کو؟ کو آن نیت‌ها؟ کو آن سخنان؟ کجا رفت آن همدردی با محرومین؟ کجا رفت آن رای مردم و ملت؟ کجا رفت مبارزه با استکبار؟ کجا رفت؟ این حرفها کجا رفت؟ همه آن کشک بود و هست! کشک است! وقتی یکخرده تقی به توقی می‌خورد و دو نفر صدا بلند شود تکه تکه می‌کنند صدایت درنیاید! این جا من هستم! مبارزه با استکبار را در حرف برای شیره مالی به تو گفتم! سر تو را شیره بمالم! الان که نظام من دستخوش شده است، در این کشورها دارید می‌بینید که چه خبر می‌شود دیگر! اینهایی که یک زمانی ما اینها را موافق

خود می‌پنداشتیم یادتان رفته است؟ و ما می‌گفتیم اینها معاند هستند و ما متهم به چه و چه و چه شدیم! هان! حالا بیایید نگاه کنید و ببینم که همین‌ها برای بقاء دنیای خودشان و دو روزه‌دنیای خودشان مثل ریگ آدم می‌کشند که من بمانم! من باید بمانم!

آن وقت هنوز هم دست برنمیدارند! ما این کارها راانجام می‌دهیم برای بقای ملت! مگر ملت‌هایی همین نیستند که داری آنها را بمباران می‌کنی؟ پس اینها که هستند؟ اینها گربه و خرگوش هستند که داری بمب روی سرشان می‌ریزی یا همین مردم هستند؟ همه جا همین است همه جا همین است همه جا همین است.

روز قیامتاین سرائر را می‌آوردند رو، چرا کشتی؟ به مردمت یک چیز دیگر می‌گفتی ولی در دلت چه بود؟ در دلت چه بود؟ در صفحات چیز دیگری می‌نوشتی ولی در دلت چه می‌گذشت؟ آن در دلت چه می‌گذشت را ما با آن کار داریم. تا زمانی که مردم به این نقطه از رشد نرسند که باید از ظاهر عبور کنند و دیگر به این نوشته‌ها نگاه نکنند به این گفتارها دیگر توجه نکنند به این ظواهر فریبنده فریفته نشوند

به این چهره‌هایمقدس مآبانه دل خوش نکنند، تا به این نقطه نرسند امام زمانی در کار نخواهد بود.

صد میلیون سال دیگر می‌خواهد بگذرد بگذرد، هر که می‌گوید فردا ظهور می‌کند دروغ گفتههر کسی می‌گوید یک سال دیگر دروغ گفته هر که می‌گوید ده سال، همه دروغ می‌گویند و همه نسبت به این مسئله بر اساس حدس و گمان و تخیلاتشان یک چیزی می‌گویند ماهم در زمان گذشته می‌شنیدیم، فلان آقا می‌گوید امام زمان پنج سال دیگر، پنج سال شد و نشد، هیچی، گفتیم آقا گفتی پنج سال دیگر! نه آقا چند سال دیگر، بداء شده! کاری ندارد عمه من هم می‌تواند بگوید خاله من هم می‌تواند بگوید. وقتی یک چیزی را نمی‌دانم می‌اندازم گردن خدا! ببینید راحت طلبی این است. نمی‌خواهم بپذیرم که من غلط کردم نمی‌خواهم به مردم بگویم که من در این مسئله جهالت دارم وحق گفتن نداشتم. نمی‌خواهم بپذیرم که در این مسائل می‌بایست سکوت کنم. نمی‌خواهم به مردم بگویم علم من علم ناقص است و در این حیطهنمی‌گنجد. برای سرگرم

کردن مردم، برای به دورخود جمع کردن مردم، برای ازدیاد مرید و محبین و ملازمین دور خود، مطالبی را می‌گویم خلاف که شد، راحت طلبی، می‌اندازم گردن خدا، بدا شده است بدا پیدا شده است! اینها همه چیست؟ کتک دارد کتک دارد. آن دنیا کتک دارد این دنیا هم دارد. این حرفها نیست.

از ظهور امام زمان نه بنده اطلاع دارم و نه غیر بنده، فقط اولیای الهی ا طلاع دارند که البته آنها بشارت آن را دادند اما این که در چه وقت و چه زمانی است که خب طبعا یک مسئله‌دیگری است که آنها حق گفتن آن را ندارند و آنهایی هم که گفتند همه آنها دروغ از آب درآمده است. خود بنده شنیدم ازا فرادی که مدعی این مسائل بودند و همه اینها دروغ بوده است دروغ بوده است دیگر، شوخی نداریم. لذا ما در سیره و روش ا ولیای خدا هیچ وقت این گونه مطالب را نمی‌بینیم این گونه مطالب جاذب و سرگرم کننده، برای عوام از مردم است نه برای صاحبان عقل و بصیرت.

مردمی‌که خوششان می‌آید مردمی‌که از این گونه مطالب لذت می‌برند به دنبال معرفت نیستند بلکه به

دنبال ظاهر هستند. اینها، این گونه مطالب برای آنها جاذبه دارد بعد هم که نشد باز یک چیز دیگر، باز یک چیز دیگر، بعد هم گردن خدا، بدا شده است. اگر مردم ا ین کار را نمی‌کردند می‌شد اگر آن کار را نمی‌کردند می‌شد، ما دیدیم ولیکن رفت! ظهور داشت می‌آمد و ازافق داشت درمی‌آمد یکدفعه دوباره رفت پایین! با همین مسائل خرافات و خزعبلات و مزخرفات وقت مردم را گرفتند و آنها را به همین ...! خب حالا آقاجان! تو که به انتظارامام زمان هستی اگر امام زمان بیاید و نتوانی توقع امام را اجابت کنی چه خاکی به سر خواهی کرد؟ هان؟ آن جا که شوخی برنمی‌دارد پس برو به دنبال دردت، برو به دنبال بیچارگی و بدبختی‌ات، آن را برو یک دوایی کن، به فکر آن باش تا این که بتوانی ظهور آن ...! مگر ظهور حضرت مثل ظهور سایر افراد و انقلابها و دگرگونی‌ها و تحولات است؟ این که نیست.

ظهور عبارت است از اراده ولایت و خواست الهی بر تحقق حق، این معنا معنای ظهور است.

مسئله این است. و اگر ما در یک زمینه‌ای باشیم که در آن زمینه نتوانیم آن خواست را به منصه ظهور برسانیم خب چه فرقی می‌کند؟ آیا این ظهور می‌تواند برای ما دردی درمان کند؟ آیا این ظهور می‌تواند دوایی برای ما باشد؟ ابدا نمی‌تواند. اگر ما در زمان امام زمان علیه السلام همین حال و روحیه را داشته با شیم که الان داریم و با همیناشکالها و ایرادها بخواهیم مصادف با ظهورش بشویم پس چرا امام زمان ۱۲۰۰ سال صبر کرد؟ خب این مردم که همان مردم هستند خب از همان ۱۲۰۰ سال [پیش] می‌امدمعجزه می‌کرد تمام عقلها را اکمال می‌بخشید و همه نفوس را به طور اعجاز به مرتبه فعلیت و کمال می‌رساند و دیگر اشکال را برمی‌داشت! این امتحان و کیفیت سیر انسان در این دنیا پس کجا می‌رفت؟ اگر قرار باشد بر این که امام زمان علیه السلام بیاید و اعجاز کند! هان! خب چرا ۱۲۰۰ سال در پس پرده غیبت بود از همان اول می‌آمد این کار را می‌کرد؟ برای چه؟ این هم خودش یک دکور است؟ یعنی قضیه ظهور یک فیلنامه است که باید انجام شود؟ اگر این است خب چرا باید ما فعل امام علیه السلام را

حمل بر یک امر عبس و بیهوده کنیم؟ و اگر ظهور به معنای استعداد جامعه و رسیدن افراد است به مرتبه‌ای که در آن مرتبه می‌توانند آن خواست و اراده‌حضرت را تحقق ببخشند خب بسم اللَه! بسم اللَه!

برای رسیدن به آن مرتبه به جای این که ما بنشینیم و هی بگوییم دوسال دیگر و سه سال دیگر، بگوییم راه این است. راه این است که باید از ظاهر بیرون بیایید راه این است که باید ظواهر را کنار بگذارید راه این است که باید دیگر به خنده و تبسم‌ها فریفته نشوید راه این است که دیگر باید به سیمای خاص و به هیکل و شمایل خاص، دل نبندید. راه این است که باید به هر سخنی گوش ندهید راه این است که باید در کارهای خود قدری تأمل کنید و عجله نکنید. راه این است. اگر این طور شد بله! کم کم .... آن وقت خیلی قضیه فرق می‌کند خیلی مسئله فرق می‌کند.

انسان کم کم احسا س می‌کند دارد عوض می‌شود روحیات او دارد عوض می‌شود آن سبکی

که سابق داشت دیگر آن سبکی را ندارد آن عجله‌ای را که سابق داشت ندارد. الان دارای هضم است هر حرفی که پشت سر او زدند زود به هم نمی‌ریزد. آی پشت سر من حرف زدند، به جهنم که حرف زدند! بگذار حرفش را بزند، این قدر بزند که سیر شود. فلان مسئله را گفتند، بگذار بگویند. فلان مطلب را گفتند خب بگذار بگویند. من دارم کار خودم را می‌کنم خب ما وظیفه را انجام می‌دهیم آنها هم وظیفه خودشان را انجام بدهند آنها وظیفه‌شان حرف درآوردن است ما هم وظیفه‌مان این است که آن چه را که تشخیص میدهیم عمل کنیم.

یک مدتی بر این مسئله مداومت بکنیم، واقع را در زندگی خود محقق بکنیم، آن وقت می‌بینیم که چه تغییراتی پیدا می‌شود بدون ظهور، نیاز به ظهور ما نداریم. مگر امام زمان ما فردی است که برای مساعدت و کمک ما نیاز حضوری و فیزیکی دارد؟ امام که این نیست امام بر همه منویات ما آگاه است و بر همه‌شراشر وجو د ما احاطه علی دارد نه احاطه اخباری و حکایی، احاطه امام علیه السلام احاطه علّی است و بدون عبور از نفس امام علیه السلام

امکان ندارد خطوری به ذهن شما وارد شود. یعنی این که الان من دارم صحبت می‌کنم نه اینکه بعد از صحبت کردن من امام با آن اسباب و ادواتی که دارد مطلع شود، نخیر! قبل از این که من صحبت کنم نفس امام علیه السلام از تک تک جملات کلمات حروف و حرکات پلک من مطلع هست و می‌داند که من چه می‌گویم آن وقت این امام زمان نیاز به ظهور دارد؟ ما نیاز به ظهور داریم ما درغیبت هستیم نه او. امام علیه السلام ظاهر است

لذااولیای الهی می‌فرمودند امام علیه السلام هیچ وقت غیبت نکرده است برخلاف ان چه که در میان السنه و افواه دارج است امام غیبت نکرده است ما از امام غیبت کردیم ما خود را از امام علیه السلام پوشاندیم ما پرده به روی خود انداختیم تاامام را نبینیم! امام غیبت نکرده استامام همیشه حضور دارد امام همیشه ...

در زمان سابق، بعد از فوت مرحوم آقا و جریاناتی که پیش آمد یک جریانی بود برای این که یک عده‌ای به نحو خاصی آن عده را اغوا کند که از

جمله آنها خود بنده بودم یعنی می‌توانم بگویم در نوک آن پیکان قرار گرفته بودیم. یک جریان شیطانی مکاشفه‌ای شهودی وجدانی و علمی، نه فقط همین صرف خواب و ... یک همچنین جریانی برای این مسئله بوده، البته به طور دقیق من تا به حال جایی عرض نکردم به بعضی از مسائل آن تا به حال پرداختم. این جریان جلو آمد جلو آمد و عده‌ای را این جریان درکام خود فرو برد و وقتی که نسبت به اصل مسئله استوار شده بود و کاملا در چمبره خودش گرفته بود تنها موردی که می‌توانست در این مسئله بایستد خب طبعا ما بودیم، تا این که آمد نسبت به خود ما تشکیک ایجاد کرد، به خود اصل مسئله تشکیک ایجاد کرد.

یک روز من می‌دیدم که یکی از همین [افراد] آن فرد خاصی که متصدی این گونه مطالب بود، یک پیغامی‌داد که مرحوم پدر شما راجع به شما این طور می‌گویند و این طور مطرح می‌کنند. من گفتم که شما به ایشان بگو که مگر خود شما در زمان حیاتتان نمی‌فرمودید که باید نسبت به آن چه که در نفس و قلب می‌گذرد، انسان به قطع عینی و علمی‌رسیده

باشد و الا ممکن است که این مطالب به صورت دیگری برای انسان جلوه کند، شما دلیلی برای حصول این قطع و اعتقاد، اعتقاد جازم برای بنده ارائه بدهید که این مطلب شما صحیح است. جواب چه آمد؟ فلانی نسبت به مطالب ما شک می‌کند! دیدید! یکدفعه ورق برگشت! شروع شد به شعار، من که حرف بدی نزدم من که خلاف نگفتم. من گفتم ما بر همان اساسی که از شما می‌شنیدیم به همان .... خب ما پاتک زدیم دیگر، نسبت به این قضیه.

قضیه قضیه شیطان است شیطان است که به صورت یک ولی خدا الآن برای انسان القاء می‌کند مگر شما در زمان حیاتتان نمی‌گفتید خودتان، صدها بار نه دهها بار، صدها بار که انسان نسبت به خوابها و مکاشفاتی که برای او حاصل می‌شود باید یا به فردی که به او ا عتماد دارد که ولی خدا باشد یا فرد خبیر و بصیری باشد، به او مراجعه کند یا نسبت به صحت و مطابقت این پدیده و این حادثه، خودش به مرتبه قطع علمی‌و قلبی باید برسد. بسیار خب شما به ما بفرمایید کدام یک از این دو طریق ا لان برای

بنده میسور است؟ قطع که بنده قطع ندارم فرد خبیر و بصیر هم که سراغ ندارم شما بفرمایید! تمام شد خلع سلاح شد تا خلع سلاح شد. شایعه شروع شد. اعلامیه آمد آن هم از طرف خود آقا یعنی شیطان ممثل به مرحوم آقا! که فلانی نسبت به مطالب ما شک می‌کند با او ارتباطتان را قطع کنید با او چه کنید! اعجب! پساولیای خدا که رفتند آن دنیا حرفشان با این دنیا دو تا شد؟ آن جا یک عالم دیگر [ی است!] پس در این دنیا ما راگول می‌زدند پس در این دنیا ما را فریب می‌دادند! چه شد که رفتند در آن دنیا، موازین تغییر پیدا کرد؟ مسائل تغییر پیدا کرد؟ چه شد قضیه؟ ببینید چقدر مسئله مهم است و چقدر مطلب مشکل است که از این مطالب انسان باید عبور کند.

اینها آن چیزهایی بود که اولیاءالهی در زمان حیاتشان می‌خواستند در گوش ما فرو کنند و در گوش خیلی‌ها نرفت و نرفت و هنوز هم نرفته است این مسئله را می‌خواستند به ما بفهمانند که هیچ گاه به ظاهر و جاذبه‌ها و مظاهر جالبه نفسانی فریفته نشوید به عقل و درایتخود باید مراجعه کنید

مسائلی که طبعا پیش می‌آید این مسائل از همین دیدگاه باید مورد بررسی و توجه قرار بگیرد. در زمان مرحوم آقا ایشان به ما نمی‌فرمودند نگاه کن ببین من چه می‌گویم عمل کن! هرکسی که این حرف را زده دروغ گفته و اشتباه کرده و غلط کرده است. مرحوم آقا می‌فرمودند مطالبی را که گفته می‌شود این مطالب باید ارزیابی شود و باید این مطالب با ملاکات سنجیده شود و باید به حق مطلب رسید نه به ظاهر. من ظاهرم امروز فریبنده است شمایلم امروز جاذب است و می‌فریبد و این پذیرشی که بر اساس شمایل و بر اساس این نماء ظاهری یک فرد، حتی اگر ولی‌خدا باشد، آن پذیرش انجام بگیرد پشیزی ارزش ندارد هزار سال انسان این نحوه اطاعت کند یک قدم بالاتر نمی‌رود چرا؟ چون شمایل شخص در این جا سهمی‌دارد از پذیرش نفس. این شمایل این جسم این بدن ا ین نما ء این خصوصیت این نحوه حرکت ظاهر، که خب افراد هم متفاوت هستنددر این مسئله.

من در همان موقع می‌شنیدم که وقتی مرحوم آقا

می‌آمدند رفقا بلند می‌شدند یا مثلا فرض کنیدکه صلواتی می‌فرستند یا چه می‌کردند از آنها می‌شنیدم بَه بَه ببین خود سیمای آقا کفایت می‌کند دیگر لازم نیست انسان چیز دیگری بشنود این آمدن ایشان را نگاه کن کفایت می‌کند همین که نگاه به او بکنی کافی است این که ببینی در کنارت نشسته کافی است! تمام اینها چیست؟ گول زننده است همه‌اینها گول زننده است. همان سیما همان عمامه همان محاسن همان قبا همان عبا، همان کیفیت، لباس سفید عبای سفید و قبای سفید در اعیاد خب ایشان خیلی ...، مثل ما اینقدر شلخته نبودند و اوضاعشان درهم و برهم نبود که وفات و عیدشان یکی باشد.

یک روز من در همان مشهد روز عید بود مرحوم آقا فرموده بودند که مثلا ما صحبت کنیم. من از منزل که رفتم عبای سیاه داشتم و لباسم هم چیز بود، قبایم مثل این که تیره بود خلاصه رنگش تیره بود. تا نشستم یک ده دقیقه [ای که گذشت] ایشان فرمودند آقا چرا لباست این طوری است؟ بلندشو! بلندشو برو خانه، لباست را عوض کن و یک لباس روشن بپوش بیا، امروز روز عید است. بلندشدیم رفتیم

منزل، البته خب منزل نزدیک بود با یکی از دوستان خب وسیله داشت و ما زودآمدیم و لباسمان را عوض کردیم قبای روشن پوشیدیم. هر مجلسی یک اقتضایی دارد. خیلی ایشان دقیق بودند و نسبت به این مطالب خیلی دقت می‌کردند و همین مسائل حتی در امور خانوادگی، در امور زندگی، در امور همسرداری بسیار بسیار مورد توجه ایشان بود به طوری که گاهی از اوقات حتی ما تعجب می‌کردیم که اولیای خدا یعنی باید به این مطالب هم دقت کنند؟ خب بله باید دقت کنندنکنند که نمی‌شود، شیرازه کار از هم پاشیده می‌شود نظام از هم پاشیده می‌شود هر چیزی یک حسابی دارد بعد دیدیم نه آقا! ائمه هم ا ین طور بودند، اصحاب می‌آمدند پیشایشان، نصیحت هایی که می‌کردند، چرا این طور هستید؟ به مرد می‌گفتند تو چرا با زنت و همسرت به این کیفیت هستی؟ چرا نباید این مسائل را رعایت کنی؟ دیدیم ا عجب! پس این یک حساب و کتاب دارد. این طور نیست که فرض کنید که یک جریان زاهدانه به دور از مطالبات نهفته در درون آدمی، بر

زندگی سالک بخواهد سایه ا فکند و او را در این مسائل دچار محرومیت کند که خب تبعاتی دارد هر چیز به جای خویش نیکو است و هر چیز باید در جای خودش باشد.

خب این ظاهری که از یک همچنین ولی خدا و اینها هست این ظاهر یک روز هم می‌بینی تبدیل شد به یک انسانی که روی تخت افتاده و می‌خواهند ا و را غسل بدهند. هان! آن شبی که مرحوم آقا را در منزل داشتند غسل می‌دادند من به این فکر می‌کرد م خب من متصدی بودم یعنی جزو این دو یا سه نفری که ... گفتم تمام رفت این جا دیگر نه عمامه است نه عصا هست نه قبا در این جا هست نه عبا دراین جا هست نه آن هیمنه، یک بدن بی روح بی جان جامد و ساکن روی این تخت افتاده است و باید غسلش بدهند و فردا هم دفن کنندتمام شد. تمام آن پزیرشهایی که برای این حرکت بود رفت تمام آن گریه‌هایی که وقتی ایشان صحبت می‌کردند افراد جلوی چشمشان اوه اوه! من می‌دیدم ها! هر وقت می‌دیدم می‌گفتم بدبخت تو اصلا چه می‌فهمی‌که داری گریه می‌کنی؟ همه رفت همه رفت. تمام آن

شور و بیا و برو و فلان رفت تمام همه رفت رفت.

دیدیم به شروع شد! آن که خودش است شروع شد آن که خودش است! هر شخصی هم یک مرتبه دارد هر شخصی هم در یک افق از مدرکات و ملکات و صفات قرار دارد مختلف هستند همه مختلف هستند کیانسان آن صفات و ملکات و غرائض را می‌بیند؟ وقتی این ظواهر می‌رود کنار، تنها می‌ماند، تک و تنها می‌ماند حالا باید خودش را نشان بدهد.

ایستاده بودم من همان روز اول، مرحوم آقا به رحمت خدا رفته بودند من از بیمارستان آمدم منزل و به والده گفتم که به رحمت خدا رفتند و مسئله دیگر تمام شد. خودم آمدم در بیرونی ودر همین منزل بیرونی، افراد می‌آمدند، رفقا دیگر خیلی حالشان پریشان بود. یکی از رفقا خدا رحمت کند مرحوم آقا سیدمرتضی مقدسی رضوی رحمت اللَه علیه که تقریبا می‌توانم بگویم محرم اسرار ما بود و محرم سر ما بود و من ارتباط خاصی با ایشان داشتم که با کسی دیگر نداشتم ایشان آمد، هیچ ناراحت نبود هیچ نگران نبود نه مثل بقیه در سرش می‌زد نه

این که گریه ...، چرا گاهگاهی بنده خدا اشک از چشمش می‌آمد، آمد اولین جمله‌ای را که به من گفت، گفت آقاسیدمحسن الان وقتش است که هر کسی خودش را نشان بدهد، هیچ وقت این جمله از ذهن من نمی‌رود. خدا رحمتش کند. خیلی، بسیار سید باواقعیتی بود سید با اصالت و با واقعیتی بود. آمد گفت فلانی! الان است ها! آن که تا به حال یک عمری ما حرفش را می‌زدیم الان وقتش شد، دیگر همه چیز تمام شد، حالا هر کسی خودش را نشان بدهد و همه هم نشان دادند و نشان دادند و دیگر چه عرض کنم.

مرحوم آقا به جای خود، در زمان پیغمبر مگر نبود؟ مرحوم آقا بالاتر بود یا پیغمبر؟ چه شد؟ بدن پیغمبر را هنوز غسل نداده بود امیرالمؤمنین، غسل نداده بود، رفتند سقیفه درست کردند! اصلا نگفتند این زنده است؟ فوت کردهاست؟ روح دارد؟ ندارد؟ چیست؟ خواستش چیست؟ چه کنیم؟ بلندشدندرفتند عین گوسفند به سمت سقیفه برای خودشان آقا درست کردند و برای خودشان دم و دستگاه درست کردند و برای خودشان چیز کردند!

چه شد؟ کو آن سبقت گرفتن بر نماز پشت سر پیغمبر؟ کو آن سبقت گرفتن بر آب وضوی پیغمبر که می‌گرفتید در سرتان می‌مالیدید؟ چه شد؟ کجا دارید می‌روید الاغها گاوها؟ اصلا ماندید که این پیغمبر را دفن کنید بعد بروید؟ تا شنیدند پیغمبر از دنیا رفت و منادی ندا کرد که رسول خدا رفت، حمله! بلند شویم برویم! برویم ببینیم که ...! می‌گویند سقیفه مردم نشستند جمع شدند دارند صحبت می‌کنند چکار می‌کنند! هان؟ چه گفتم الان به شما؟

به تو چه مربوط است؟ بنشین سرجایت چرا بلندشدی رفتی؟ این همان است. برای چه بلندشدی رفتی؟ دارند می‌روند سقیفه، به تو چه ربطی دارد؟ آن یکی، شنیدم دارند می‌روند سقیفه خب به تو چه ربطی دارد؟ رفتند که رفتند. تواصلا می‌دانی برای چه دارندمی‌روند؟ نه خب برویم ببینیم دیگر، همین رفتن و ببینیم کار را رساند به آن جا دیگر! اگر تو می‌نشستی می‌گفتی به من چه مربوط است آن هم می‌گفت به من چه مربوط است آن هم می‌گفت به

من چه مربوط است که او نمی‌رفت به جای پیغمبر بنشیند روی منبر! هی تو رفتی، گفتی بروم ببینیم، نفس شروع می‌کند به هیجان! هان ببینیم! مردم دارند می‌روند! تند می‌روند همین مردمی‌که داریم می‌بینیم، امروز فلان کنید، حمله! بیایید در خیابانها. فردا فلان کنید برویم در خیابان‌ها پس فردا ....! اصلا سوال کردیم برای چه برویم؟ برای چه نرویم؟ برای چه؟ فلان! هیچی! هیچی! هم این طرف هم آن طرف، همه.

مرحوم آقا می‌فرمودند وقتی یک چیزی می‌شنوی فکر کن عین گوسفند سرت را نیانداز آقا برویم ببینیم چه خبر است؟ نه بایست تو آدمی، کلّه‌ات فرق می‌کند با گوسفند، آن کله گوسفند را می‌اندازنددر دیگ می‌پزند، کله تو را که نمی‌اندازند. چرا باید رفتار ما با رفتار احشام یکی باشد؟ چرا؟ هر کسی آن زمان می‌آید خودش را نشان مید هد که چه هست.

لذا مسئله‌مهم برای ما همین است مسئله این است که انسان نباید به حرف نگاه کند به شخصیت نگاه کند به آن موقعیت خود فرد نگاه کند باید نگاه

کند که این مطلب تا کجایش می‌تواند مربوط به او باشد تا کجا مربوط نباشد تا کجا می‌تواند به این مسئله ترتیباثر بدهد وتا کجا نباید بدهد. بر این اساس باید حرکت کند و لذا ما می‌بینیم که افرادی که بیشتر به اینکته پرداختند آنها ا فرادی بودند که به مسئله بهتر رسیدند به حقیقت بهتر رسیدند

افرادی که اینها حالاتی دارند خب این حالات برای خودشان، ما باید ببینیم چطور شد که آن به این حال رسید؟ نباید غفلت کنیم از آن واقعیت و به این مسائل ظاهری بپردازیم.

رسول خدا یک وقت نشسته بودند در مدینه، یک شخصی آمد به نام مالک بن نویره، همانی که بعد از وفات رسول خدا با خلیفه‌غاصب و ظالم آمد مخالفت کرد و زکات نپرداخت، خلیفه هم خالد بن ولید را فرستاد و آن جنایت فجیع و شرم آور را فرمانده لشگر آنها انجام داد و با خدعه و کلک و فریب او را کشت و بعد آن جنایات دیگر را انجام داد که اصلا انسان نمی‌تواند [بیان کند] و بعد هم مورد عفو حضرت خلیفه واقع شد! چرا؟ چون

خودی است خودی است! اشکال ندارد! خودی باش هر کاری می‌خواهی بکن!

مالک بن نویره آمد و اسلام آورد و رفت قبیله‌خود را مسلمان کرد حضرت فرمودند وقتی که داشت برمی‌گشت هر که می‌خواهد به فردی که اهل بهشت است نگاه کند به این نگاه کند. عمر دوید دنبال مالک بن نویره بیرون مسجد که پیامبر بشارت دادند که تو اهل بهشتی بیا در روز قیامت دست من را هم بگیر شفاعت کن، گفت خاک بر سرت کنند آن که اصل است آن جا نشسته تو ولش کردی حالا آمدی دنبال من که من بیایم تو را شفاعت کنم؟ این چیست؟ فریفته شدن به ظاهر است. انسان فکر خودش را بیاورد پایین سطح فکر خودش را بیاورد پایین، آن موقعیتش را بیاورد پایین، به همین چیز های کوچک به همین مسائل کوچک، انسان فریفته شود.

می‌گویند زن نباید در قبرستان برود، اگر می‌رود کم برود، نه این که بخواهد مرتب برود. چون رفتن در آن جا برای انسان حالتی می‌آورد که آن حالت برای او خوب نیست البته بنده بعدا توضیح ا ین

مسائل را میدهم انسان می‌خواهد برود، زیارت حضرت معصومه برود چرا در قبرستان برود؟ که مرحوم آقا می‌فرمودند هر روز هم اگر به زیارت معصومه بروید کم رفتنید آن وقت حضرت معصومه را انسان این جا ول می‌کند بلندمیشود می‌رود دور یک قبری می‌نشیند گعده می‌کند! این چه کاری است؟ این قبر را برو آن قبر را برو یعنی چه؟ موتی بندگان خدا، اماء خدا، عبید خدا، همه‌اینها راهی را داشتند و رفتند و [از] این دنیا رفتند و تمام شد. یک فاتحه انسان برای آنها بخواند والسلام. رفتن و نشستن و اینها یعنی چه؟ بلندشو برو زیارت حضرت معصومه، استفاده بیشتر فایده بیشتر. این جاذبه‌های ظاهری نباید باعث بشود که انسان از آن راه و روشی که اولیاء خدا ترسیم کردند دست بردارد.

من یک مثالی زدم من نمی‌خواهم در این جا تعریضی داشته باشم فقط خواستم مثالی بزنم برای این مسئله. نسبت به مطالبی هم که گفته می‌شود و عرض می‌شود خدمت دوستان، مسئله از همین قبیل

است.

یک راه و روشی است که اولیاءخدا ترسیم کردند آن مسائل بیان می‌شود حالا هر کسی به هر مقداری که توان دارد استعداد دارد به این مسائل ترتیب اثر میدهد و اگر هم ندارد خب طبعا خدا او را مورد غفران خودش قرار می‌دهد و انسان باید سعی کند که هر چه بهتر و بیشتر بتواند به این مسائل برسد و نیازی در انجام این مطالب، به گفته‌ها و دستورات خاص نداشته باشد. اگر این مسئله را انسان در خودش محقق بکند خیلی از مسیر برای او هموارو راحت می‌شود ولی اگر نه! انسان بخواهد هی نسبت به جزئیات سوال کند هی نسبت به مسائل بخواهد سوال کند هی نامه بدهد آقا در این جا این طور، در آن جا این طور بعد هم زیر آن بنویسد بی صبرانه منتظر پاسخ حضرتعالی هستم یا این که نامه اول و دومم را جواب ندادید یا این که فرض کنید چه، اینها چندان به نتیجه نمی‌رسد.

ما مطالب را بیان می‌کنیم مسائل و قواعد را در اختیار دوستان قرار می‌دهیم آن چه را که باید ترتیب اثر بدهند نسبت به آن مسائل ما ان‌شاءاللَه که مسامحه

نکنیم. یک وقت من درتابستان بود یک قضیه [و] مسئله‌اجتماعی بود خدمت مرحوم آقا نشسته بودم یکی از رفقا از یکی شهرستانها تلفن کرد، ایشان ناراحت شدند و گفتند برو بگو آخر مگر هر حرفی را در تلفن می‌شود زد؟ مگر ما این مطالب را بیان نکردیم؟ دیگر برای مرغ و خروستان هم عبارت ایشان [این بود] برای مرغ و خروستان هم ما باید تکلیف تعیین کنیم؟ مسائل گفته شده خودتان قدری فکر کنید یکخرده عقل خودتان را به کار بیاندازیدو حتی مطلب مهم‌تر از این، ابراز بعضی از مسائل تبعاتی دارد آدم که دیگر در جزئیات نمی‌آید بگوید آقا این کار را بکن آن کار را بکن! مسائل گفته شده است مطالب گفته شده است ضوابط همه برای دوستان و برای عموم، نه تنها دوستان، الان با توجه به امکاناتی که هست و با توجه به مسائلی که امروزه هست مطالب فقط دراختیار دوستان و رفقا قرار نمی‌گیرد، همه می‌توانند، حالا یک کسی نمی‌خواهد ترتیب اثر بدهد خودش می‌داند و خودش مسئولیت دارد. انسان می‌تواند از این مسائل بهره ببرد و بدون

این که مطلبی پیش بیاید راه خودش را برود و به آن مطلوب خود برسد.

این بار خب زیاد صحبت کردیم و ا نشاءاللَه که دوستان مورد عفو قرار می‌دهند، دیگر یک مقداری اگر مجال داشته باشیم با تلخیص و تخلیص مسائل این سوالات را هم خدمت رفقا عرض کنیم.

سوال اول: آیا رقص زن برای زن جایز است؟

جواب: بنده بارها این مسئله را توضیح دادم نمی‌دانم چرا دوستان کم لطفی می‌کنند؟ هم در سایت این مسائل گفته شده است و هم در چیز بارها عرض کردم.

رقص در صورتی که موجب تحریک نشود چه زن برای زن و چه مرد برای مرد، در هر دو صورت، اگر در حرکات و سکنات به نحوی باشد که محرک باشد و حالت عادی را تبدیل به حالت غیرعادی کند حرام است. فقط رقص زن و مرد برای همسر خود جایز است و الا هم برای زن، چه زن برای زن یا برای محرم، برادر خواهر خواهرزاده و امثال ذلک اگر این موجب تحریک بشود حرام است. همین طور در مرد هم مسئله به همین کیفیت خواهد بود.

سؤال: ایا وقتی پدر حکم کند برای نوروز باید به خانه اقوام برویم ما باید اطاعت کنیم و برویم؟ البته در پرانتز نوشته شده است که پدرشوهر.

جواب: در این جا باید رعایت جمع بین مطالب بشود. در این که نوروز یک بدعت است و امروزه نه تنها به عنوان عید بلکه به عنوان یک عیدی که مورد امضای اسلام است، مطرح است، قطعا این مسئله خلاف است و نوروز عید زرتشتیها است و اسلام به طور جدّ با این مسئله مخالفت کرده است. دین ما عیدغدیر را عید می‌داند عیدفطر و قربان را عید می‌داندعید مبعث را عید می‌داند عیدی که جنبه عقلانی داشته باشد، علف از زمین درمی‌آید برای من که عید نیست برای آن گاو و خر عید است که با ید بهتر بچرد و بهتر از این زمین استفاده کند! بنده که علفخوار نیستم که بخواهم خوشحال شوم و همین طور افرادی که در امکنه مختلفه زندگی می‌کنند اول نوروز که برای اینها عید نیست بعضی از اینها تا دو ماه بعد ازنوروز در یخ و برف و سرما هستند بعضی از اینها تا چند ماه بعد از نوروز در سرما به سر

می‌برند بعضی از اینها دو ماه قبل از نوروز وضعیت آنها و حال و هوای آنها تغییر می‌کند، افرادی که درنیمکره شمالی یا در نمیکره جنوبی قرار دارند، فرض کنید که کسانی که درافریقا بلکه در جنوب آفریقا همان بقاعی که نزدیک به دریای آتلانتیک جنوبی یا ا طلس جنوبی است آنها در تابستان که این جا آفتاب چیز است ما در آن جا می‌دیدیم باران‌های این قدری می‌آمد، وسط تابستان باران می‌آمد و سرمای آنها همان تابستان اینها است خب این فرق می‌کند این مسائل فرق می‌کند.

دین اسلام یک دین عام است اینها نمی‌فهمند که اسلام فقط مال ایران نیست اسلام یک دینی است که آفریقا را دربردارد آمریکا را دربردارد مگر آمریکا نوروزش مثل نوروز ما است؟ استرالیا را دربردارد در همین مناطق دور مناطق مغرب یا اروپا یا خاور میانه خاور دور هر کدام از اینها جایگاه خودشان را دارند چطور این عید یک عیدی است که برای یک منطقه خاص؟ آن هم مورد تأیید اسلام؟ اصلا چطور می‌شود یک همچنین مسئله‌ای در این جا قابل تصور باشد؟ این یک مسئله‌ای است و ان‌شاءاللَه اگر

خداوند توفیق به بنده بدهد مدارک آن را جمع آوری کردم، آن چه را که باید به او برسم به او رسیدم، در کتابخانه‌های قدیمی‌دنیا منابعی که این مسئله در آن جا ذکر شده است برای بندهتهیه شده است، در خیلی از این کتابخانه‌ها خودم شخصا سرزدم و از آن کتب قدیمه‌ای که نسبت به ا ین مسئله متعهد شدند صورت برداری شده، ان‌شاءاللَه در تابستان اگر خداوند توفیق بدهد بنده راجع به این مسئله نوروز آن تألیف خودم را خواهم داشت.

این یک مسئله‌ای است که قطعا ثابت خواهم کرد در این تالیف، ان روایتی را که آقا شیخ عباس قمی‌و همه‌دردسرهای ما از ایشان است که آمده در این کتاب مفاتیح مسئله‌نوروز و روایت معلی بنخنیس را نقل کرده است، این روایت صددرصد دروغ است و روایت جعلی است که هیچ ا صلی ندارد و همه مردم مبتلا شدند چون در مفاتیح است مثل وحی منزل همه دارند به او عمل می‌کنند! و نمی‌دانم در این نوروز چه است و نمی‌دانم سفینه نوح در نوروز آمده است غدیر خم در نوروز بوده است همه این حرفها

دروغ است و با مسلمات تاریخ، این مسائل همه در تعارض است.

لذا بر ما است که نسبت به نوروز هیچ ا قدامی‌نکنیم و اصلا خود را متظاهر به سرور نکنیم مثل سایر ایامی‌که می‌آید و می‌رود برای ما. منتهی از آن جایی که هنوز این قضیه برای مردم روشن نشده است، خب مردم هم تقصیر ندارند وقتی که نگاه می‌کنند می‌بینند این آقا آن آقا ... یک وقتی بنده راجع به اربعین کتابی نوشتم که همین تألیفی است که در دست شما است که اربعین اختصاص به سیدالشهدا دارد و اربعین بدعت است که الآن دارد انجام می‌شود و جایز نیست که انسان دراربعین شرکت کند و مجلس اربعین داشته با شد. این اربعین مال امام حسین است و حتی پیغمبر هم ا ربعین نداشت امیرالمؤمنین هم نداشتامام حسن هم نداشت حضرت زهرا هم نداشتند ولی سالگرد چرا، خب سالگرد داریم ا ئمه سالگرد دارند البته مال ائمه نه مال ما ائمه سالگرد داشتند سالگرد شهادت ایشان، سالگرد عیدشان. امام باقر علیه السلام به یک فرد از افرادی که اهل شعر و اهل مرثیه بود، حضرت پول

دادند و فرمودند که بعد از شهادت ایشان، در همان سالی که به شهادت رسیدند تا ده سال در عرفات این شخص بیاید و نسبت به این واقعه، شهادت امام علیه السلام عزاداری کند. خب این بوده، ائمه این کارها را می‌کردند ولی نسبت به اربعین ما نداریم، یک روایت هم نداریم که امام رضا علیه السلام من باب مثال، حضرت بفرمایند که در اربعین من مجلس بگیرید، روضه خوانی بگیرید، تعزیه بگیرید، چه کنید، یا ا مام صادق یا ...، نداریم.

بنده این مطالب را عرض کردم بعد یک نفر معمم آمده در تلویزیون و گفته که نخیر! نسبت به سایر ائمه و پیغمبر هم بوده است بعد مطرود شده است! آخر عزیز من! مطلبی را که می‌خواهی بگویی دلیل بیاور. چرا مردم را باید ا غواء کنیم؟ چرا؟ شما دیدی که در زمان ائمه، آنها اربعین می‌گرفتند و توصیه کردند؟ یا از پیش خودت داری می‌گویی؟ چطور بنده ندیدم و همه مدارک را هم گشتم وتا الان هم گفتم اگر کسی به مدرکی رسید بنده را مطلع کند، تغییر عقیده خواهم داد و اگر باشد خواهم داد،

جرأتش را دارم. چرا ما باید این طور عمل کنیم؟ چرا ما باید با دین مردم سرسری برخورد کنیم؟ چرا بااعتقادات مردم ما نباید روراست باشیم؟ چرا آن چه را که از بزرگان به ما رسیده است کما هوهو نباید در ا ختیار مردم قرار بدهیم؟ چرا آخر باید این طور باشد؟ یک روزی نباید به این مسائل خاتمه داده شود؟

راجع به مسئله‌نوروز هم همین طور، عین آن مسئله این است و ان‌شاءاللَه در آن جا شما خواهید دید که تمام کسانی که خواستند بیایند و این نوروز را اثبات کنند همه آنها به ادله‌واهی و اصلا غیرقابل قبول حتی برای عوام مردم! چه برسد به شخصی که یکخرده عقل دارد منطق دارد چه دارد فلان دارد حتی برای عوام مردم. خب این مسئله است.

ولی مردم خب در این جا خیلی تقصیر ندارند بر اساس یک سنتی عمل کردند و پیش می‌روند لذا در این جا ا نسان با یستی که رعایت کند یعنی به نحوی عمل کند که هم دل آنها نشکند و هم جوری وانمود شود که اگر این هم بر فرض هست صله رحم است و به عنوان عید نیست یا این که اگر می‌تواند، عذری

دارد، عذری بیاورد اگر مانعی دارد، به یک نحوی بتواند که از این مسئله خود را برهاند. علی کل حال نباید انسان در این گونه مطالب با تندی برخورد کند به شدت برخورد کند به نحوی که موجب آزرده شدن دل آنها شود

آیا جشن عیدالزهرا اشکال دارد؟ شما موافق با این جشنها هستید؟

اشکال ندارد عیدالزهرا بوده است و مسئله‌ای نیست. منتهی بالاخره شیعه هم باید تولی داشته باشد و هم تبرّی. تولی عبارت از همین مجالسی که مجالس عید است و برای ائمه و افراح و این گونه مطالب است تبری هم خب بالاخره آن هم جزوی از دین است و انسان باید به نحوی ابراز کند. ولی باید انسان رعایت مطالب و شخصیت و وزانت و متانت را داشته باشد. آن چه را که بنده عرض کردم که سالک باید به بالاتر از این فکر کند این است. آخر سالک شخصیتی دارد حساب و کتابی دارد. حرکاتش سکناتش. ما شخصیت افراد را ...

همین چند روز پیش بود یک نفر می‌گفت که در

منزل ما در همان منزلی که آن شخص بود در همین قم. در کوچه‌ای ما را دعوت کردند به مجلس عیدالزهرا و در همسایگی ایشان افرادی بودند اهل علم بودند. گفت وقتی که ما رفتیم اصلا یک فرد عادی است عامی‌است اهل علم نیست می‌گفت آقای طهرانی اصلًا این افراد معمم با ریش سفید صدای گاو درمی‌آورند در آن مجلس! می‌گفت آدمی‌که ما نگاه می‌کردیم [و] از ده متری سرمان را برای سلام علیکم [به او] خم می‌کردیم [دیدیم] صدای گاو دارد درمی‌آورد! آن یکی صدای خر داشت درمی‌آورد! گفتم هان! این یوم تبلی السرائر است. مجلس عیدالزهرا زمینهاست که هر که هر چه هست خودش را نشان بدهد.

درمجالس ائمه نه! همه قشنگ می‌نشینیم و با وزانت و با چیز وحالت بله! سانتی مانتال و خلاصه این دکور! دکور خیلی منظم و مرتب باشد. یا در شهادت ائمه به آن نحوه، نحوه صحبت کردن اعظم اللَه اجورکم آقا! اعظم اللَه اعظم اللَه! همچنین سر در یک مرتبه‌ای بیاید و یا در اعیاد، تهنیت، حناکم اللَه ا نشاءاللَه همچنین با یک چیزی! این مجالس تبلی

السرائر نیست مخفی‌ها را آشکار نمی‌کند دکور است، اینها همه دکو راست. آن مجلسی که می‌آید و آن موقعیت فرد را می‌ریزد رو، همین مجالس است، نظیر این مجالس و بعد هم به عنوان چیست؟ به عنوان این که ا هل بیت در یک همچنین روزی خوشحال هستند! خوشحالند برمی‌دارندمثل تو صدای خر درمی‌آورند؟ صدای گاو درمی‌آورند؟ بلندمی‌شوند این طوری اطوار خیلی ناموزون که فقط از سُفها و مجانین این اطوار سرمی‌زند از توی فلان آقا و فلان آقا درمی‌آورند؟ این توقع است؟ حالا چون مجلس مجلس فرح است باید هر حرف زشت و کلام رکیک و غیرقابل تحمل در اوقات دیگر در این مجلس زده شود؟ فرض کنید جلوی کوچک و بزرگ و بچه و غیربچه؟ این است؟ این منظور بنده است.

منظور بنده ایناست که تشکیل مجالس فرح و سرور ملازم با این‌گونه اعمال نیست. انسان می‌تواند باوزانت و متانت بیاید شیرینی بگیرد خوشحالی کند مطالب بگوید از ا هل بیت بگوید سطح سواد و

آموزش را بالا ببرد مسائل خوب را بگوید لازم نیست که حتما هر چرند و مزخرف و خلاصه بله دیگر! چه عرض کنم دیگر، به نحوی که خب انسان شرم دارد! مداحان بلند می‌شوند شعرهایی می‌خوانند که اصلا انسان شرم دارد! خب خجالت بکش! آن چیست که حالا بخواهد آدم وزانت خودش را به خاطر آن پایین بیاورد؟ اصلا چه محلی از اعراب داشته و دارد که انسان بخواهد آن متانت ....؟ الان اهل تسنن به ما می‌خندند! می‌گویند این شیعه کهدارد خودش را دنباله رو ائمه نشان می‌دهد خب اینها می‌آیند، آمدند فیلم برداشتند این حرکات راانجام می‌دهد؟ اینها غلط است.

عرض بنده دراین که بنده با این گونه مطالب مخالف هستم این است که انسان، سالک، شخصیتش هویتش مکتبش مرامش کارش تصرفاتش اعمالش گفتارش رفتارش فراتر از این است که در حد یک آدم مجنون، دیوانه و سفیه و افراد لات و لاابالی [خودش را پایین بیاورد.] خب حرف زشت زشت است چه حرف را درخیابان می‌خواهی بزنی یا در مجلس می‌خواهی بزنی هر دو

زشت است هر دو غلط است حالا چون مجلس عمر است هر غلطی می‌خواهد بکند؟ نخیر! بنده مخالف هستم صددرصد با این گونهمطالب ولی با نفس انعقاد مجلس و صحبتهای مفرح، شوخی، اشکال ندارد، خب انسان شوخی بکند حالا حتما باید فرض کنید که شوخی منحصر در بعضی از فضاها باشد؟ شوخی بکند حرف خوب بزند حکایت نقل کند حدیث بخواند کلمات بزرگان را بیاید بگوید مطلب آموزنده بیاید بگوید پند بیاید بگوید مطالب عبرت آمیز بیاید بگوید عبرت آمیز بلندشود بیاید بگوید این برای ده سال حکومت دوازده سال حکومت ارزش داشت که بیاید دختر پیغمبر را تکه تکه کند؟ اینها را انسان باید بگوید که از این مجالس استفاده کند، نسبت به راهش، روشش، اموری که باید به کار بگیرد ولی خب دیگر الان فعلا در آن فضا و در آن موقعیت است. می‌شود همان مجالس را تشکیل داد منتهی با نحوه‌ای که به این کیفیت باشد.

سؤال: با توجه به این که شما فرمودید عروسک مشکل دارد آیا شکلهای تخیلی نیز ا شکال دارد؟ اگر

عکس حیوانات و بچه‌ها را از کتابها جمع آوری کنیم و به صورت یک آلبوم درآوریم و برای بچه درست کنیم اشکال دارد؟

جواب: بله! آن چه را که عکس است و عکس حیوان و امثال ذلک است اینها در نفس تأثیر سوء دارد و بهتر است که انسان نسبت به این مسائل دقت بیشتری داشته باشد.

سؤال: با توجه به این که کثیرالشک به کسی می‌گویند که در سه نماز پشت سر هم شک کند و من اکثرا در نماز چهاررکعتی شک می‌کنم باتوجه به این که سه نماز پشت سرهم نیست آیا باید به شک خود اعتنا کنم؟

جواب: نخیر این مربوط به سه نماز پشت سر هم نیست. کثیرالشک به کسی می‌گویند که معمولا یا در همه نمازها یا در تعداد یکی از نمازها شک می‌کند و هیچ سه تا پشت سر هم نیست دلیلی بر این مسئله نداریم

سؤال: می‌گویند مرحوم ه‌قا هیچ وقت نماز احتیاط نخواندند یعنی اگر برای ما شکی به وجود بیاید که نیاز به نماز احتیاط داشته باشد نباید نماز

احتیاط بخوانیم؟

جواب: چرا، این طور نیست که ایشان نخوانده باشند. بنده خودم حتی در بعضی موارد دیدم که ایشان در جایی که بایدتشهد کنند ایستادند یا این که فرض کنید که یک کلام زائد گفته شد یا یک سجده شده بعد سجده [سهو] را انجام دادند ولی به عنوان این که نماز احتیاط بخوانند نه. من هم تا به حال نمازاحتیاط نخواندم این که دلیل نیست که انسان نمازاحتیاط .... مسئله شک با نماز احتیاط دو تا است. ببخشید مسئله اشتباه در حرکات و سکنات و آن تکلیفی که بر آن مترتب است. اما این قضیه نماز احتیاط، دو رکعت یا یک رکعت نماز احتیاط، یک مسئله عادی است برای هر کسی پیدا می‌شود من که می‌گویم من نخواندم یک مرتبه یادم می‌آید در مدت عمرم، به نظر می‌آید که مثلًا نسبت به دو یا سه و سه و چهار شک کرده باشم ولی به این نحو نیست که انسان به محض این که شک کند فورا باید انجام بدهد. وقتی که شما شک می‌کنید باید به شکتان ترتیب اثر ندهید فکر کنید تأمل کنید نگاه کنید ببینید

ذهن شما به کدام یک از این دو طرف مسئله بیشتر می‌رود، وقتی که نسبت به آن طرفی که انجام دا ده رفت دیگر نباید حکم شک را در اینجا بکنید، نماز احتیاط نباید بخوانید. این مسئله را اشتباه نکنید. این را در این جا می‌گویند ظن، در این جا ظن به جای علم است. نیازی به نماز احتیاط نیست. شک در آن جایی است که هر چه به خود فشار می‌آورید در آن شک باقی می‌مانید و نمی‌توانید، آن جا را می‌گویند نماز احتیاط لذا یک همچنین فردی گرچه فقط در نماز چهاررکعتی شک می‌کند ترتیب اثر نباید بدهد

سؤال: دلیل این که در جشن غدیر می‌فرمایید اگر خانمها با بلوز یا شلوار یا بلوز آستین کوتاه باشند اشکال دارد اما دامن کوتاه تا زانو اشکال ندارد چیست؟

جواب: ببینید در لباس، لباسی که به این کیفیت است آن لباس لباسی است که به هیئت و شمایل مردان است. لباسی که در هیئت و شمایل مردان باشد این محل اشکال و ایراد است علاوه‌بر این، خود کیفیت لباس به این نحوه، این کیفیت زننده‌ای دارد و این مربوط می‌شود به عرف یعنی عرف متدین

[که] این لباس را لباس جلفی میداند ولی لباسی که با دامن باشد نه! خب آن اشکال ندارد و این لباس لباس عادی است آن لباس لباسی است که در شأن نیست یک قدری حالت سبکی دارد و آن سبکی را هم همه می‌گویند فقط بنده این مطلب را قائل نیستم

سؤال: با توجه به این که ظلم کردن به خود گناه محسوب می‌شود و خانمها که موهایشان را رنگ می‌کنند و این ضرر دارد این رنگ کردن هم گناه محسوب می‌شود؟

جواب: البته منظور از آن ضرری که رنگ دارد خب اگر این ضرر داشت خب تا بحال می‌بایستی که این مسئله انجام نگیرد، این طور نیست که واقعا یک ضرر جدی بخواهد داشته باشد که بتواند موجب حرمت باشد. آن ضرری که جدی است مثل دخانیات است. سیگار ضرر جدی دارد و سیگار حرام است و بنده شنیدم و احساس می‌کنم بعضی از خانمها سیگار می‌کشند سیگار حرام است و اگر ترک نکنند ارتباط بنده با آنها به نحو دیگری خواهد بود. سیگار حرام است چه مرد سیگار بکشد چه زن

سیگار بکشد این مسئله حرام است و در این مکتب عمل حرامنباید انجام بگیرد. خود مرحوم آقا هم همین طور بودند، نظرشان بر این مسئله بود. و همه می‌گویند. جامعه پزشکی بر این مسئله گواه است.

الان تازه در ایران این مسئله رسم شده است که پاکت سیگاری که می‌فروشند می‌نویسند و تبلیغ می‌کنند که سیگار نکشید و بسیار کار خوبی هم هست که فرض کنید که در عین این که این سیگار در اختیار افراد قرار می‌گیرد در عین حال به مضرات او هم تأکید می‌کنند و ای کاش اصلا نیاورند و نه این که بیاورند بگویند حتی نکشید. چه اشکال دارد که آوردن سیگار و ورود سیگار ممنوع باشد؟ مانند فرض کنید که مواد مخدر و امثال ذلک، یکی هم سیگار باشد. سیگار به مملکت وارد نشود یادر مملکت سیگار تولید نشود. می‌د انید چه مخارجی از این مردم صرف سیگار می‌شود؟ آیا بهتر نیست که این مخارج صرف عمران و آبادی و زندگی مردم بشود؟

همه می‌گویند سیگار اشکال دارد همه می‌گویند و این مسئله تازه در ایران است. در آمریکا اگر پاکت

سیگاری تولید می‌شد و زیرش مضرات نوشته نمی‌شد آن ممنوع بود و شخص اگر مبتلا به یک بیماری می‌شد حق شکایت از آن شرکت را دارد یعنی به این نحو مسئله است اما این که حالا ما بخواهیم بگوییم فرض کنید که رنگ کردن ممکن است ضرر داشته باشد با این احتمال نمی‌شود ماحکم به حرمت کنیم مگر این که آن موادی که مصرف می‌شود از نقطه نظر پزشکی، قطعا مسلم شده باشد که آسیب به پوست یا مغز می‌رساناددر آن جا است که خب انسان می‌تواند حکم به حرمت کند اما به این نحوه نه.

سؤال: اگر زن ببیند که نامحرم دارد نگاه می‌کند، باز هم نباید صورت را بپوشاناددر کوچه یا خیابان هر جا؟

جواب: اگر زن ببیند نامحرم دارد نگاه می‌کند باید صورتش را بپوشاند، واجب است

سؤال: حکم خون دیدن در تخم مرغ چیست؟

جواب: اگر انسان می‌تواند آن خونی که در تخم مرغ هست بردارد به نحوی که به سایر اطراف تعدی

نکند می‌تواند بردارد وبقیه اشکال ندارد

سؤال: آیا اصلا ح کردن در ماه محرم اشکال دارد؟

جواب: نخیر! اشکال ندارد

سؤال: یکی از ارحام نزدیک من درگذشته است شخص صالحی نبوده است و تقریبا هرگونه کار خلافی انجام داده است و بنده بعد ازازدواج به دلیل مخالفت شوهرم قطع ارتباط نمودم اما چند سالی است که به ظاهر توبهنموده است می‌خواستم ببینم وظیفه من در مورد قطع ارتباط یا وصل آن چیست؟ با توجه به اینکه در حال حاضر همسرم مخالفتی ندارد و می‌گوید هر آن چه که وظیفه شما است انجام بدهید

خب وقتی که می‌دانید فرد خوبی شده است خب چه اشکال دارد [که] دوباره [ارتباط برقرار کنید؟]

سؤال: نحوه پوشش زوجین و مخصوصا زن در برابر فرزندان، چه پسر و چه دختر چیست؟ این مطالب را عرض کردم، باید به نحوی باشد که از او تصویری در ذهن نقش نبندند و افراد و فرزندان در سنین مختلف دارای ذهنیت خاصی هستند و همین

طور خود آنها هم به همدیگر متفاوت هستند و راجع به این مسئله باید به خصوص، زن رعایت کند تا این که از کودکی فرزند او دارایتخیلات و تصورات نباشد.

سؤال: آیا استفاده از تخت خواب اشکال سلوکی دارد؟

جواب: نخیر نبردبان هم باشد اشکال ندارد

سؤال: باتوجه به این که مجالس بین الطلوعین، مجالس ذکر است و در این مجالس باید تمام توجه به جلسه باشد آیا پوشیدن لباس مخصوص و آرایش اشکال دارد؟ با در نظر گرفتن این که پوشش و آرایش مانع توجه دیگران می‌شود.

جواب: نه اینها اشکالی ندارد حالا انسان به یک نحو متعارفی [انجام بدهد] حالا غیر متعارف به نحوی که خیلی بخواهد جلب توجه کند و مورد توجه افراد واقع شود این غلط است. من سابق می‌شنیدم که بعضی ها در مجالس، به نحو غیرمتعارفی از بعضی از لباسها یا زر و زیور آلات استفاده می‌کنند و متأثر می‌شدم که چه دلیلی دارد که

انسان به این نحو بخواهد شرکت کند؟ و اینها در شأن یک سالک نیست. اینها برای سایر افراد است خب انسان باید در همان نحو متعارف باشد تا خیلی جلب توجه نکند

سؤال: رقص زن در برابرزن در مجالسی مانندعیدالزهرا اشکال دارد؟

جواب: ببینید! در مجالس عیدالزهرا همان طوری که عرض کردم حکم فرق نمی‌کند ما نداریم که فرض کنید که کارهایی که در غیر از عیدالزهرا حرام است در عیدالزهرا حلال می‌شود و این که در این مجالس رفع تکلیف می‌شود و قلم و تکلیف برداشته می‌شود اینها همه مزخرفات است و عیدالزهرا حکم خاص به خودش را ندارد. سرور با انجام عمل حرام دوتا است. انسان به غیر از عمل حرام هم می‌تواند ایجاد سرور و خوشی را بکند. رقص زن برای زن در صورتی است که موجب تحریک نشود.

سؤال: با توجه به فرارسیدن نوروز و دید و بازدیدها و تعطیلی ایام، آیا رفتن ما به دیدن خانواده به قصد آن چه اشکالی دارد؟

جواب: این را که بنده عرض کردم.

سؤال: لطفا نظر خود را در مورد برگزاری مجلس عیدالزهرا بفرمایید

جواب: این هم عرض شد خدمت شما.

سؤال: چند سال قبل برای بستری شدن خواهرم در بیمارستان همراه او رفتم و او مبلغی پول و طلاهای خودش را به امانت به من سپرد و موقع برگشت من امانتی را به پسر پانزده ساله او سپردم و تأکید کردم مواظب باشد ولی متأسفانه بعداً معلوم شد گم کرده است وظیفه من چیست؟

جواب: هیچی! وظیفه شما هیچی! اگر آن پانزده ساله در حدی بوده است که امانتی به او سپرده شود و می‌تواند نگه دارد اشکال ندارد ولی اگر در آن حد نبوده شما ضامن هستید، نمی‌بایست بدهید.

سؤال: برای حضور قلب در نماز برای این که نمازها موجب تغییرحال و بالا بردن ما شود چه کنیم؟

جواب: در حضور قلب در نماز، خب باید توجه کرد به مهر و همان طوری که عرض کردمانسان زود

نماز نخواند، چند دقیقه صبر کند و درجایی باشد که صدا نباشد و خواطر را دفع کند و بعد نماز را بخواند ان‌شاءاللَه که در نماز موفق خواهد بود

سؤال: برای مقابله با خواطر و آن چه در خاطر انسان می‌آید از فیلمها با این که از ز مان دیدن آنها چندین سال می‌گذرد و الان چندین سال است که فیلم نمی‌بیند مگر در مسیرهای اتوبوس و [یا این که] در جایی برود که پخش کنند

جواب: خب در مسیر اتوبوس انسان می‌تواند نگاه نکند حالا آن چه که پخش می‌کنندلازم نیست حتماً انسان ببیند ولی علی کل حال دیدن این فیلمها ضرر دارد و تخیلات را در انسان زیاد می‌کند و انسان را هی به جزئیت می‌آورد از جزئیت انسان را بالا نمی‌برد ولی برای از بین بردن اینها بهتر است که انسان تمرین دفع خواطر داشته باشد به این صورت که در جایی که ساکت و آرام است بدون هیچ صدایی هیچ ذکر نگوید به هیچ جا توجه نکند فقط ده دقیقه بنشیند و سعی کند خاطری به ذهن او نیاید این را دو بار در روز تکرار کند بعد از مدتی متوجه می‌شود که می‌تواند بر افکار خودش تسلط داشته باشد بهترین

موقع برای این مسئله این قبل از نماز صبح و همین طور بین نماز ظهر و عصر است

سؤال: از نحوه برگزاری مراسمات بسیار تشکر می‌کنم استدعا دارم اگر می‌شود در کنار کلاسهای شنبه و سه شنبه که آموزش زبان عربی برای مخدرات است کلاس زبان عربی برای بچه‌های قبل از دبستان هم بگذارید که بتواند استفاده کنند.

جواب: ان‌شاءاللَه، اگر این مسئله میسور شود که بسیار جای خوشوقتی است

سؤال: حقیر دارای استقامت در صبر و تحمل و مراقبه نمی‌باشم و همیشه مدتی را در مراقبه به سر می‌برم و بعد از اندک زمانی حالم منقلب می‌شود و دوباره مسیر خلاف را درپیش می‌گیریم چکار باید کرد؟

جواب: ببینید مسئله مراقبه یک مسئله هر ساعتی و هر دقیقه‌ای استهر روز صبح وقتیکه از خواب برمی‌خیزید فرض کنید که فقط عمر شما همان روز است. امروز چه روزی است؟ روز پنجشنبه است. وقتی که صبح از خواب برمی‌خیزید تصور شما این

باشد که جمعه‌ای برای شما در کار نیست. ما تا به حال یک همچنین فکری نکردیم دیگر. ما خودمان را رها می‌بینیم. در بستر تاریخ رها می‌بینیم. تصور می‌کنیم که یک عمر بدون امدی خداوند برای ما قرار داده است و همین باعث غفلت ذهن می‌شود. بهترین کار برای مراقبه البته بزرگان به شکل دیگری فرمودند من آن را به یک نحو دیگری برمی‌گردانم و خیلی آسان عرض می‌کنم بهترین کار برای مراقبه این است که امروز صبح که از خواب بلند شدید بدانید که خدا به شما گفته است حالا خواب دیدید نامه برای شما آمده است، به هر کیفیت، که فقط امروز آخرین روز حیات شما است خب خیلی فرق می‌کند قضیه، مسئله خیلی فرق می‌کند، انسان در رفتارش گفتارش فکرش و ارتباط با مردم نمی‌خواهد یک وقتی خدای نکرده بر خلاف آنچه مورد رضای خدا است عمل کند. اگر چهل روز بر این مسئله مداومت کردید کارتان تمام است. دیگر نیاز به هیچ چیز دیگری ندارید خب این که خیلی مفصل است ما به آن مختصر ها بپردازیم

سؤال: بنده شبها خوابهای شلوغ و معمولا

ترسناک می‌بینم و دائما خواب می‌بینم که مهمان دارم

خب مهمان حبیب خدا است خیلی بهتر و چه اشکال دارد که انسان همیشه خواب مهمان ببیند آن هم که ... اما پذیرایی نمی‌توانم یکنم یا آماده نیستم یا امتحان دارم و درس نخواندم

جواب: البته خب این برمی‌گردد به خصوصیات خود انسان، انسان در راه رشد و حرکت است اتفاقا خوابهای بدی هم نیست و باید به این مسئله توجه داشته باشد که آن خواب دیدن مهمان در اینجا عبارت است از نفس خود. این که شما نمی‌توانید پذیرایی کنید یعنی در مراقبه اهمال می‌کنید و از خودتان پذیرایی نمی‌توانید بکنید. از آن گوهر وجود خودتان نمی‌تواند آن طوری که باید و شاید از آن پذیرایی کنیدو او را به مرتبه رشد بخواهید برسانید. در مراقبه همان طور که عرض کردم بیشتر دقت کنید ان‌شاءاللَه خواب می‌بیند که دارید از مهمانهای خودتان به نحو احسن پذیرایی شده است

سؤال: مسئله دیگر این که بنده مبتلا به پرخوری هستم و دائما عذاب وجدان دارم و نمی‌توانم با این

معضل کنار بیایم.

جواب: خب این که اشکال ندارد یک مقدار غذای مخصوص برای خودتان بکشید و بعد هم همه را به آن مهمانی که هست آن را ببخشید که شما دسترسی نداشته با شید. راههایی هست که می‌تواند انسان جلوی این مطالب را بگیرد طرفندهایی هست که نفس را ...، موقع خوردن غذا با کندی بخورید، قبلا یک لیوان آب بخورید و همین طور چیزهایی که قبل از غذا بتواند [اشتهای زیاد را] بگیرد مثلا بادام خوردن قبل از غذا موجب می‌شود که آن اشتهای کاذب از بین برود و بعد انسان با آن غذا که به طور کم کم آن هم به صورت جویده می‌خورد می‌تواند آن عکس العملهایی که در بدن و قوه هیپوفیر و اینها در معده ایجاد می‌کند برای ترشح ا سید، می‌تواند آن را کنترل کند و بعد از یک مدتی خود به خود انسان به همین کیفیت عادت می‌کند و خود معده از آن حجمی‌که دارد حجم آن کم می‌شود

سؤال: پوشاندن کف و روی پا در نماز چه حکمی‌دارد؟

جواب: اشکال ندارد

سؤال: آیا باید جوراب بپوشیم؟

جواب: نه! می‌توانید بپوشید می‌توانید هم نپوشید

سؤال: چند روز پس از ولادت فرزندمان را می‌توان بر نفاس قرار داد؟ اگر انسان صاحب عادت عددیه باشد مثل همان تفاوتی نمی‌کند

مدت نفاس همان مدت حیض است تفاوتی نمی‌کند

سؤال: وقت نماز عصر و عشا چه وقتی است؟

جواب: نماز عصر وقتی که یک و نیم برابر سایه شاخص از هنگام زوال عبور کرده و تقریبا حدود دو ساعت البته فرق می‌کند بین یک ساعت و نیم و دو ساعت و دوساعت و نیم و سه ساعت از ظهر گذشته، در زمستانها تا یک ساعت و نیم و در تابستانها از دو ساعت و نیم تا سه ساعت می‌شود ولی در نماز عشاء ذهاب حمره‌مغربیه است وقتی که قرمزی می‌آید به سمت مغرب، خورشید در آن جا وقتی که غروب می‌کند در همان هنگام غروب خورشید یک قرمزی در سطح مغرب باقی می‌ماند وقت نماز عشاء از بین

رفتن آن قرمزی است وقتی که انسان به مغرب نگاه می‌کند دیگر در سطح افقی که خورشید غروب کرده آن جا قرمزی نبیند آن وقت نماز عشاء است البته این مسئله را ما باید متوجه باشیم که درست است که وقت فضیلت نماز عشاء همان ذهاب حمره مغربیه است یعنی از بین رفتن آن قرمزی ولکن باز بهتر است، حالا باز بعضی از اوقات انجام بدهد، باز یک قدری دیرتر بخواند یعنی از وقت آن از بین رفتن قرمزی درناحیه‌مغرب باز یک قدری دیرتر بخواند. در روایاتی داریم که انسان نماز عشار را یک قدری به تاخیر بیاندازد مستحب است.

سؤال: آیا می‌توان نماز را، مثلا نماز صبح را به نیت مافی الذمه بخواند؟

جواب: نماز صبح را که نمی‌شود، نماز صبح که باید حتما روی فجر صادق باشد. نماز را شما دروقتی که می‌توانید اطلاع بر وقت پیدا کنید جایز نیست مافی ا لذمه بخوانید. مافی الذمه در مواردی است که ما شک داریم که آیا وقت قضا رسیده است یا نه؟ نماز فوت شده است یا نه؟ آن جا را انسان می‌تواند مافی الذمه بخواند و شک نسبت به حکم

است اما اگر شک نسبت بهاصل تکلیف در آن جا داشته باشد مثلا فرض کنید که در نماز عشا می‌گویند که بعد از نیمه شب آیا قضا می‌شود یا قبل از نیمه شب؟ آن جا خب مرحوم آقا می‌فرمودند اگر کسی بخواهد بعد از نیمه شب بخواند به نیت ما فی الذمه بخواند چون خود مسئله در آن جا مشکوک است اما در یک جا فرض کنید که شما نماز صبح را نخواندید احتمال می‌دهید که خورشید طلوع کرده است، احتمال می‌دهید، خودتان خورشید را ندیدید در این جا نباید به نیت مافی الذمه بخوانید در این جا استصحاب همان بقاء وقت را باید بکنید و به نیت وقت باید نماز در آن جا خوانده شود.

سؤال: ما وقتی در مجالس ذکر هستیم یا عمل خوبی انجام می‌دهیم حال خوشی به ما دست می‌دهد ولی خود به خود و به تدریج از بین می‌رود چگونه می‌توان این حال را حفظ کرد؟

جواب: خب این طبعابا مراقبه باید حفظ شود حال خوشی که برای انسان پیدا می‌شود این حال خوش حکم مهمان را دارد مهمان را بایدعزیز داشت

مهمان را باید گرامی‌داشت. مرحوم آقا از این گونه امورتعبیر می‌کردند به مهمانی که این مهمان بر انسان نازل شده است و انسان باید از او پذیرایی کند معمولا در سفرهایی که انسان به مکه مشرف می‌شود یا به عتبات مشرف می‌شود این حال برای انسان پیدا می‌شود که معمولا انسان یک حالت انقطاع فی الجمله‌ای پیدا می‌کند ولی وقتی که به این جا می‌آید در ارتباط با افراد، آنها را از دست می‌دهد. مرحوم آقا می‌فرمودند که وقتی که حاجی از سفر مکه برمی‌گردد نباید فورا با مسائل قاطی شود خلط شود و همه را پذیرا شود. سعی کند آن حال را نگه دارد هرچه بیشتر بهتر، هر چه بیشتر بهتر. با هر کسی صحبت نکند با هر کسی هم صحبت و هم سخن نشود هر مهمانی رانیاورد اینها مطالب واقعی است یعنی اینها مسائلی است که در امور آینده انسان این مسائل تأثیر دارد

سؤال: سوالی از خدمت شما داشتم که آیا عمل کردن به دستورات داخل کتاب مطلع انوار که در چهار جلد ذکر شده است جایز می‌باشد یا خیر؟

جواب: البته بهتر است که سوال بشود

سؤال: آیا نیرتبریزی از اولیاء خدا بوده است؟

ازاولیاء خدا که خدااعلم است در این جا، ما که در مقام قضاوت نیستیم، ما که از بندگان خدا خبر نداریم ولی آن چه را که از احوالات بزرگان و اولیای الهی وعرفای باللَه به گوش ما رسیده و خودمان دیدیم، آن عرفا در یک مراتب دیگری هستند و اصلا در یک فضای دیگر و در یک عالم دیگر هستند. مرحوم حجت الاسلام نیر بسیار مرد بزرگی بود بسیار باتقوا بود خیلی ارادت به اهل بیت داشت حالات خوشی داشت و از اشعارش این مسائل پیداست ولیکن مسئله اولیای خدا اینها چیز دیگری است

سؤال و جواب: آیا مجالس عیدالزهرا مورد تأیید شما است؟ که عرض شد.

سؤال: با توجه به این که رانندگی کردن برای زنان نیاز است و لازم و برای این کار هم حتما نیاز به اخذ گواهینامه و شرکت در کلاسهای آیین نامه که به صورت مختلط برگزار می‌شود هست حال وظیفه بانوان در این زمینه چیست؟ آیا از باب ضرورت

می‌توانند شرکت کنند؟

جواب: ایراد ندارد

سؤال: اگر شخصی بدهکار باشد و بدهکاریش را نمی‌پردازد و وسیله‌ای در منزل ما داشته باشد، ما می‌توانیم از آن وسیله بدون اجازه او به جای قسمتی از بدهکاریش استفاده کنیم؟ اگر جایز نبوده و ما استفاده [کردیم] [حالا] چه باید کرد؟

جواب: اگر شخص بتواند بدهیش را بپردازد و تعمدا اهمال کند انسان می‌تواند به نسبت به آن مقدار از آن چه که در اختیار دارد به عنوان مال الرهانه استفاده کند گرچه این در رهن نمی‌آید ولی انسان می‌تواند این کار را انجام دهد.

سؤال: لباسهایی که ما برای بعضی از بستگان می‌دوزیم و آنها می‌پوشند و با همان لباس و بدون چادر جلوی نامحرم ظاهر می‌شوند حتی اگر آن لباس پوشیده باشد و ایجاد مفسده نکند آیا برای ما گناه نوشته می‌شود؟ اگر آن لباسی را که ما دوخته [ایم] آنها توسط خیاط دیگری تنگ کنند و بپوشند چطور؟ اگر به واسطه این موضوع که گناه ایجاد [می] شود، ما برای آنها لباس ندوزیم و آنها از ما نا

راحت شوند واز ما کینه به دل بگیرند اشکال دارد؟

جواب: لباسی را که شما برای یک فردی می‌دوزید باید متذکر شوید که از این لباس در موارد گناه استفاده نکند اگر متعهد شد و بعد استفاده کرد اشکال ندارد ولی اگر نه! از اول گفت نه! من هر کاری بخواهم [می] کنم شما وظیفه‌ات این است که لباس را بدوزی [من هم] پولت را می‌دهم، شما برای او نمی‌توانید لباس بدوزید و همین طور اگر لباس را دوختید و آن داد به شخص دیگری تنگ کند باز باکی بر شما نیست، این اشکال ندارد و ناراحت شدن هم که خب ناراحت بشوند، این مسئله دیگری است

اظهار تشکر: از شما ممنونم که این جلسات را برای ما برگزار می‌کنید که این جلسات چه قدر اثر مثبت ایجاد می‌کند

استاد: ان‌شاءاللَه خداوند امور ما را مورد رضای خودش قرار بدهد. تا جایی که نفس باقی است و تکلیف است انسان نباید مضایقه داشته باشد و باید همه دعا کنیم و بخواهیم از خدا که این اوقات را به بطالت نگذراند و ما را موفق کند به آن چه که بزرگان

[فرمودند.] حالا که ما کاری نمی‌کنیم ما همان مطالب را فقط واسطه هستیم می‌آییم نقل می‌کنیم، کار را آنها کردند که آمدند و راه را رفتند مطالب را دیدند خودشان لمس کردند حس کردند و دیدند وچشیدند و برای ما بیان کردند ما باید ریزه خوار خوان اولیای الهی باشیم و از آنها باید تشکر کنیم که این مطالب را برای ما باز کردند.

سؤال: اگر وقت نماز شده باشد و انسان منتظر وقت نماز عصر یا عشا باشد و در این بین عادت ماهیانه شودتکلیف انسان برای نماز عصر و یا عشا چیست؟

جواب: اگر وقت زوال شده یعنی موقع نماز ظهر است و وقت برای خواندن نماز ظهر و عصر هست باید نماز عصر را بعدا قضا کند گرچه هنوز وقت خاص نماز عصر نشده با شد و همین طور در نماز عشا هم مسئله به همین کیفیت است. گرچه وقت خاص عصر بعد است ولکن تکلیف به خود نماز آمده است

سؤال: شما فرموده بودید الکل نجس است مگر الکل چوب یا کاغذ. و الان الکل‌های موجود هیچ

کدام از چوب یا کاغذ نیستند آیا بعد از زدن هر آمپول باید بدن را طاهر کرد؟

جواب: اگر آن الکل الکلی باشد که از مایع باشد مانند انگور و غیره باید حکم به نجاست کرد و در این صورت بعد از آمپول بله، باید آن محل آمپول در آن جا شسته شود

سؤال: می‌خواستم ببینم رفت و آمد با افراد غالی چگونه است؟ آیا ا شکال دارد و در چه حد باید رعایت شود؟ در حالی که ایشان مخارج خانواده‌شان حقوق جانبازی است آیا خوردن غذا در خانه ایشان اشکال دارد؟

جواب: افرادغالی منظور چه کسانی هستند؟ آنهایی که فرض کنید که راه و روش علی اللَهی و اینها به اصطلاح دارند که خب معمولا اینها متوجه نیستند اشکال ندارد یعنی خودشان نمی‌دانند که چرا معتقد هستند ولی اگر واقعا، واقعا کافر باشند نسبت به مسئله، بنده همان طوری که عرض کردم هیچ شخص نجسی وجود ندارد حتی کافر نجس نیست و از غذای کفار، یهود و نصارا و غیره و حتی کافر

همانسان می‌تواند [استفاده کند]، گرچه بهتر است احتیاطا انسان استفاده نکند به خاطر این که ممکن است اهل رعایت نباشند ولی اگر نه! یک شخصی اهل رعایت و بهداشت است و دستش را تمیز می‌کند می‌شوید خیلی ظروف او تمیز است اینها از این نقطه نظر اشکال ندارد که انسان از غذاهای آنها استفاده کند

سؤال: اگر پولی را از پدرشوهر قرض بگیریم و او سود بگیرد حتی از سود بانک بیشتر باشد آن پول حرام نمی‌شود؟

ببینید پدرشوهر اگر یک وقت پول را به عروس قرض می‌دهد این حرام است. ولی یک وقتی پول را به عروس به لحاظ شوهر که پسرش است می‌دهد، بین فرزند و پدر و همین طور بین زن و بین شوهر ربا نیست، فقط این دو. یکی بین فرزند و بین پدر و بین جد ا لبته جدّ پدری نه جدّ مادری و همین طور بین زن و بین شوهر ولی بین زن و بین پدرشوهر رباست اگر فرض کنید که برای خصوص خودش می‌گیرد ربا است ولی در این موارد معمولا پدرشوهر به عنوان خود فرزندش می‌دهد که این ربا نیست.

سؤال: نظر شما را در مورد کلاسهایی که برای خانمها در روزهای شنبه و سه شنبه برگزار می‌شود [چیست]؟

جواب: نه! چه اشکال دارد؟ بالاخره کلاسهایی است که برای ادبیات عرب و اینها است

سؤال: آیا فقط خوردن آب در شب نشسته باشد بهتر است یا نوشیدن مایع [ات دیگر هم همین حکم را دارد؟]

بهتر نیست، نباید خورد! ببینید یک وقت می‌گوییم بهتر است به این عنوان که اشکال ندارد انساناًیستاده بخورد، نه! در شب اصلا کراهت دارد ایستادن و حتی اخیرا مضراتی برای آن به دست آوردند و خود بنده بعضی از مضرات آن را احساس می‌کردم. خوردن آب و مایعات در شب باید نشسته باشد. آب و مایعات همه یکی است از این نقطه نظر تفاوتی نمی‌کند.

سؤال و جواب: بنده مدتی است که خیلی به مرگ فکر می‌کنم!

خب حالا از این به بعد به زندگی فکر کنید حالا

یا یک وقتی را بگذارید برای مرگ یک وقتی را برای خود زندگی، انسان لازم نیست حتما به مرگ فکر کند و درگیر این موضوع شده‌ام خب بهتر است که فکر نکنید و چیزهای دیگری است [برای فکر کردن،] آن تفکر به مرگ که گفتند آن شرایط خاصی دارد و برای هر کسی هم دستور نمی‌دهند و حتی ممکن است خطراتی را ایجاد کند ا نسان نباید به مرگ همین طور فکر کند مگر در تحت یک ضوابط خاصی

برای این که صبرمان در مشکلات زندگی بالا برود، عرض کنم که ساعت دوازده و نیم است و ما هم دیگر بنزیمان تمام شد حالا این خدمت مخدرات باشد البته اگر مسئله‌خصوصی نباشد یا خود بنده می‌برم و ان‌شاءاللَه پاسخ اینها را در جلسه دیگر خدمت رفقا عرض می‌کنم.

از این که صحبت ابتدایی و مقدمه ما یک قدری طول کشید و از پاسخ به اینها ماندیم عذرخواهی می‌کنم. ان‌شاءاللَه که خداوند ما را توفیق بدهد به آن چه که مورد نظر بزرگان است جامه عمل بپوشانیم. مطالبی که آنها گفتند به صلاح ما است اینها به صلاح

ما است و هر کسی که عمل کرده است برده است و [هر کسی] عمل نکرده است [باخته است.]

بعد از فوت مرحوم آقا مسائل مختلفی پیش آمد یک روز یکی از افراد آمده بود ما را نصیحت کند خب نصیحت اشکال ندارد خب انسان نصیحت [را] باید بپذیردوقتی که بنده پاسخ او را دادم به او گوشزد کردم که جان من! من بیش از شما پیش بزرگان بودم شما پانزده شانزده سال بودی من چهل سال بودم سی و هشت سال من پیش بزرگان بودم مطالبی را که دارم به شما می‌گویم این مطالب به صلاح شمااست والا بنده نه چشم داشتی به مسائل دنیوی دارم و نسبت به مسائل اخروی هم که خب امید رحمت و مغفرت از خدای بزرگوار داریم و رفیق دست ما را بگیرد. این مسیری که شما می‌روید خلاف است و خب ترتیب اثر داده نشد بعد از گذشت سیزده سال تازه شخص می‌گوید حالا من می‌فهمم فلانی راست می‌گفت. خب چرا باید این طور باشد؟ یعنی چرا باید ما بگذاریم سیزده سال عمرمان بگذرد دوازده سال ده سال؟ خب گوش بدهیم ضرر نمی‌کنیم.

عمل کنیم توجه کنیم این بزرگان ....

یک وقت مرحوم آقا می‌فرمودند که فلانی! تو فلان کتاب من را خواندی؟ من عرض کردم نه، یعنی کی این حرف را زدند؟ سال آخر حیاتشان، الان پانزده سال از فوت ایشان می‌گذرد، سال آخر حیاتشان ایشان این مطلب را گفتند. گفتند پس من این کتابها را برای کی نوشتم؟ برای کی این کتاب را نوشتم؟ ما همین دل خوش کنیم که پدری داریم از اولیای خدا است و تمام شد؟ یا نه؟ برویم ببینیم چه گفته است؟ چه مطالبی گفته است؟ چه رهنمودی داده است؟ خدا شاهد است که بنده الان در این شرایط و در این سنّ، الان مطالبی را که با شما درمیان می‌گذارم همین چیزهایی است که ایشان در این کتابها گفته است. همین است.

من دو ساعت برای رفقا صحبت می‌کنم وقتی که تمام می‌شود یکی می‌آید پیش من، آقا من را نصیحت کن! می‌گویم پس این دو ساعت بنده این با لا چکار می‌کردم؟ همین حرف. آقا یک وقت خصوصی می‌شود به من بدهید؟ آقا وقت خصوصی هم همین حرف را می‌زنم، چیز خاصی نیست.

اگرانسان به این مسائل برسد دیگر نیاز به وقت خصوصی ندارد و من هم مگر فرصت دارم؟ رفقا هم از من دلخور می‌شوند که چرا خدای نکرده در تصورشان هست بنده کم به این قضیه می‌پردازم یا نسبت به وقت یا نسبت به پاسخ دادن به نامه‌ها؟ من قسم می‌خورم واللَه وقت ندارم یعنی به چه نحو بگویم که بنده فرصت ندارم برای آن چه ...؟ و مطالب هم همه گفته شده است یعنی مسائل گفته شده است و ترتیب اثر داده شده است حالا شما می‌خواهید وقت خصوصی از من بگیرید بسیار خب، بنده در آن وقت خصوصی به شما خواهم گفت که خودتان عمل نکردید! خودتان به آن چه را که گفتم عمل نکردید! آن وقت چه توقع وقت دارید؟ چه توقع پاسخ به نامه را دارید؟ تمام پاسخ‌ها مگر حالا بعضی از مسائلی که خب مسائل خاص است یا یک ا حکامی‌است که احکام خاص است. در این سوالهایی که بنده امروز جواب دادم نود درصد آن را قبلا عرض کرده بودم همه را گفتم.

خب ا نسان هم یکخرده عیب ندارد به خودش

زحمت بدهد عیب ندارد خودش هم یک تورقی بکند در کتابها، خب برود ببیند این مطلب این جا هست عمل کند دیگر، تمام شود. چرا نامه بنویسیم؟ چرا هی وقت بگیریم؟ چرا هی نامه بدهیم؟ چرا هی ...؟ اینها چیزهایی است که همان طور که عرض کردم عبور از ظاهر است. از ظاهر انسان باید عبور کند و اگر این طور کرد رشد می‌کند. اگر نه! هر روز هم اگر بیایید یا من بیایم و به وقت خصوصی، فایده ندارد. جدا عرض می‌کنم فایده‌ای ندارد. باید به همین کیفیت عمل کرد

بارها بنده گفتم آن توفیقی را که پروردگار بعداز فوت مرحوم آقا نصیب بنده کرد در زمان حیاتشان نصیب بنده نکرد. باید این مسئله انجام بشود باید این جریان طی شود باید این ظاهر کنار گذاشته شود و الا خب بله، اگر تا حالا مرحوم آقا زنده بودند ما خیلی هم شاد بودیم و خوب بودیم و سرحال بودیم و خب یک همچنین پدری داریم و یک همچنین خصوصیاتی را، خب دیگر طوری نیست ولی صلاح نیست، صلاح نیست که همیشه زمانه به یک نحوه و به یک طرف بگردد. اینها مطالبی است که بزرگان

فرمودند و روی این مسائل هم تجربه شده است و این چنین است که در اختیار رفقا و دوستان قرار می‌گیرد و حیف است که انسان از آن تجربه‌ای که بزرگان کردند خودش را محروم کند.

اللَهم صل علی محمد و آل محمد